



بازداشت شدگان
گردهمایی کشاورزان
۶ هفتاد و شش صفحه

مبارزه برای استقلال و عدم وابستگی کارگری

صفحه آخر

با اتحاد و همبستگی علیه رژیم
گندیده سرمایه داری صفحه ۷

روند فرایند انقلاب

صفحه آخر

بیانیه مشترک در رابطه با
حمله هوایی امپریالیسم آمریکا به
سوریه محکوم است صفحه ۱۲

مدارک جمع شده در مورد واکسن کرونا

صفحه آخر

واکسن کرونا و تجارت جان انسان

وقتی که همه گیری ویروس کرونا علنی شد و کشورهای مختلف جهان را آلوده کرد، از همان اول مبارزه با آن معلوم شد که بورژوازی قصد از بین بردن و ریشه کن کردن این ویروس را نداشته و با تعلل و معطل کردن و ایجاد شایعه و اخبار ضد و نقیض قصد دارد آنرا هم مانند آنفولانزا و سارس و ایدز، کماکان در زندگی بشریت باقی بگذارد. روند بیش از یک ساله مبارزه با کرونا درستی این موضع حزب ما را به اثبات رساند. امروزه نزدیک به ۱۱۰ میلیون نفر به این ویروس آلوده شده اند و ۲ میلیون و پانصد هزار نفر جانباخته اند. تبلیغات کرکننده رقابتی که: این ویروس از کجا آمده و آیا ساخته آزمایشگاههای دولتی و نظامی است و یا جهش ژنتیک است؟

آیا این ویروس دائماً در حال تغییر خود و تکثیر جدیدی از نوع خود است؟ تا به حال دو "جهش ژنتیک" یکی ویروس کرونا نوع انگلیسی و دیگری نوع آفریقایی کرونا شیوع پیدا کرده و این نوع جهش ها گویا همچنان ادامه دارد. قدرت های بزرگ همچنان همدیگر را متهم به دروغگویی و پنهانکاری می کنند. همه دولت ها و شرکت های سرمایه داری می خواهند از این نمذ برای خود کلاهی بدوزند. کاهش شدید تعداد بیماران در برخی از کشورهای آسیایی مانند ویتنام، ژاپن، چین و همچنین کوبا نشان داد که این ویروس قابل مهار و ریشه کن شدن است. این ویروس خود باعث بسته شدن درهای جامعه ورشکستگی بسیاری از شرکت ها در عین حال

صفحه ۲

برگزاری هشت مارس روز جهانی زن

چنان تصور می شد که شعار "آزادی - برابری - برادری" انقلاب بورژوازی فرانسه جهان نوینی را می سازد که ستم طولانی به زنان را نقطه پایانی خواهد گذاشت. اما چند قرن از آن زمان گذشت و هنوز در نظام سرمایه داری جهانی همچنان نابرابری موجود است. در کشور ما ایران با تسلط اسلام گرایان بر قدرت سیاسی این نابرابری حتی شدت بیشتر یافته و در نتیجه مسئله رهایی زنان همچنان در دستور هرگونه اقدام انقلابی کارگری قرار دارد. شناخت از اهمیت جنبش زنان در امر آزادی طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی از مسیر پر پیچ و خمی گذشته و تا به امروز درست نقش آن شناخته نشده است.

در اولین تشکیلات جهانی کارگری که مارکس

صفحه ۲

به پیش برای انقلابی دیگر

خیزش های عظیم توده ها در سالهای ۵۶ و ۵۷ با اینکه رژیم سلطنتی پهلوی را برانداخت ولی بر اثر دخالت امپریالیسم و غصب قدرت سیاسی توسط دارو دسته فدائیان اسلام به سرکردگی خمینی با شکست روبرو شد و نیروهای آزادیخواه و انقلابی به درستی ایستادند و در این ۴۲ سال سنگر به سنگر جنگیدند و امروز شاهد آخرین نبرد مردم ستمدیده و زحمتکش ایران هستیم که شعار تاریخی نه به جمهوری اسلامی را فعلیت بخشیده اند.

توده های جان به لب رسیده، کارگران و زحمتکشان، زنان ستمدیده پشتازان سبک بال انقلابی دیگر، از فردای پیروزی نظام نکبت بار رژیم اسلامی راه را نشان دادند: رژیم سرمایه داری در هر شکل آن یک رژیم

ضد انقلابی و استثمارگر و ستمگر است برای سرنگونی انقلابی رژیم حاکم بایستی یک آلتزاتیو مترقی، انقلابی و توده ای شکل گیرد. از همین امروز بایستی نیروها و عناصر بورژوازی که با زد و بند با امپریالیست ها خواهان گرفتن قدرت سیاسی و به کجراه بردن مسیر انقلاب هستند، را افشا نمود. فقط نیروی متحد آگاه و متشکل مردم قادر به سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است.

برای به گور سپردن جمهوری اسلامی باید کلیه نیروهای کمونیستی و سوسیالیستی بر اساس اصول و برنامه ای مشخص منطبق با شرایط امروز ایران یکی شوند و حزب کمونیست

صفحه ۳

سالگرد شکست انقلاب ۵۷

۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در تاریخ ۱۵۰ سال گذشته ایران نقطه عطفی به حساب می آید. در این روز رژیم ۲۵۰۰ ساله دیکتاتوری شاهنشاهی سقوط کرد و رژیم اسلامی به روی کار آمد که ۴۲ سال است بر اریکه قدرت در ایران تکیه زده است و روی پادشاهان ایران را در جنایت و سقوط ارزش های اجتماعی سفید کرده است. در دوران رژیم سلطنتی پهلوی در ایران، جامعه ایران از یک جامعه فئودالی و نیمه مستعمره به یک کشور پیرامونی در نظام جهانی امپریالیستی تبدیل شد. دولت مدرن بورژوازی به مفهوم ایجاد سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه با تمام دم و دستگاههای مربوط به آن بوجود آمد. جامعه از حالت بسته فئودالی به یک جامعه بورژوازی پیرامونی تبدیل شد.

صفحه ۴

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



واکسن کرونا و.... بقیه از صفحه ۱

همزمان تمرکز بیشتر ثروت در دست تعداد محدودتری از شرکت های بین المللی شد. موقعیتی بوجود آمده است که شرکت های داروسازی و محققین ژنتیک با تأسی از مدیران سیاسی و مالی شان، دیگران را از یکطرف به دزدی و جاسوسی و بی اعتبار کردن تحقیقات آنها و از طرف دیگر به بزرگنمایی از کار و تولیدات خود دست بزنند. سازمان بهداشت جهانی زیر این فشار بطور دائم مواضع خود را عوض می کند. کوواکس سازمانی که جدیداً برای هماهنگی تولید و تقسیم واکسن کرونا بین کشورهای مختلف اعم از غنی و فقیر بوجود آمده است، فقط توصیه تولید بیشتر و ارائه بیشتر به کشورها را دارد و برتری مقایسه ای واکسن های تأیید شده را هم نه بر اساس تحقیقات و نتایج عینی آن بلکه با توجه به قدرت های دولتی حامی این واکسن ها انجام داده است. هیچکس از حق دسترسی همگانی به تحقیقات جهانی صحبت نمی کند. همه از حق بهداشت همگانی و عمومی، ظاهراً دفاع می کنند ولی وقتی که این امر باید عملی شود، بعلت منافع مالی خواهان فروش بیشتر آن نسبت به واکسن های تولیدی دیگر در سطح جهانی هستند. اکثر تولید کنندگان واکسن کرونا همچون دیگر کالاهای سیستم سرمایه داری اساساً نه حفاظت از جهان انسانها و ریشه کن کردن ویروس کرونا بلکه سود و درآمدهای حاصله بصورت واکسن های دائمی را مد نظر قرار داده اند. لینن در کتاب امپریالیسم در نقد گنبدگی سرمایه داری می نویسد که تحقیقات شرکت های سرمایه داری در کشوی میزهایشان مدتها خاک می خورد تا در موقع خود علیه رقیب بکار گرفته شود (نقل به معنی)، این نظر لینن در موضوع کرونا و برخورد به آن صحت خود را بروشنی نشان می دهد.

اما برخورد علی خامنه ای رهبر رژیم اسلامی در ایران بخاطر ممنوع شدن ورود واکسن های انگلیسی و آمریکایی نشان از موضع گیری بدون تحقیقات علمی دارد. هیچ ارگان رسمی تحقیقاتی در درون ایران هنوز تحقیقات مستقل علمی بر روی این واکسن ها انجام نداده است و هیچ واکسن کرونایی را مورد تأیید و یا رد توسط آنها قرار نگرفته است. بحث بر سر بهتر و یا بدتر بودن واکسن کرونا نیست بحث بر سر یک موضع گیری علمی است و دفاع از جان انسان ها و یا یک موضع

گیری سیاسی بدون اهمیت به پی آمدهای مسئله، اینکه واکسن های روسی و چینی قبل از واکسن های غربی به بازار آمده اند و دهها کشور در حال استفاده از آنان است و تبلیغات نفی واکسن های رقیب جریان دارد نباید تحقیقات علمی راجع به عملکرد بهتر واکسن ها را در نظر نگرفته و بعلت دلایل سیاسی نفی شود. آنسوی دیگر موضوع آیا ایران با تحریم های مالی از سوی آمریکا قادر به خرید این واکسن ها است یا نه بحث دیگری است اما یک دولت که می خواهد از بهداشت عمومی و جان انسان ها و ارزش گذاری و احترام به حق شهروندان خود حرکت کند بایستی در درجه اول عملکرد و تاثیرات بهتر و دقیق تر آنرا مد نظر داشته باشد. حزب ما همیشه گفته که مسئله کرونا یک مبارزه علمی - طبقاتی است. واکسن های کرونا و رقابت بر سر فروش و بدست گیری بازارهای جهانی توسط تولید کنندگان نشان داد، بعلت اینکه تحقیقات علمی بطور عمده در کنترل سرمایه داری است، مبارزه علیه کرونا و دیگر تحقیقات علمی مبارزه برای نفی طبقات و آزاد کردن تحقیقات علمی در هم تنیده شده است.

اگر در سوسیالیسم سمت و ارزش تولیدات جامعه در خدمت کل تولید کنندگان جامعه است و اساس احتیاج انسانی هدایت کننده است در سیستم سرمایه داری سود و بیرون کشیدن ارزش اضافی و فوق سود سمت هدایت کننده در تولید علمی و مبارزه طبقاتی را دارست. در این دو سیستم ارزش انسان ها متفاوت هستند. در جامعه بورژوازی ارزش انسان با مقدار تولید ارزش اضافی و سودی که برای بورژوازی تولید می کند سنجیده می شود؛ اما در سوسیالیسم ارزش انسان بر اساس خدمتی که به جامعه و پیشرفت آن می کند قابلیت خود را نشان می دهد. برخی از رفقای چپ در سطح ایران و جهان بعلت تبلیغات کر کننده ای که بر سر واکسن کرونا براه انداخته اند، سمت طبقاتی آنرا که به منافع حاکمین و سیاست هایی که تاکنون جلو برده اند در نظر نگرفته و بصورت کاملاً هومانستی و اندیودوالیستی آنرا حرکت و عملکردی کاملاً بشردوستانه و در دنیای متوهم خارج از شرایط طبقاتی می بینند.

براساس گفته ها دولت ایران در حال تهیه واکسن کرونا با همکاری کوبا است. اینکه کوبا یکی از اولین کشورهای بود که واکسن کرونا را تهیه کرد، نشان از توانایی علمی و فنی آنها دارد. ولی رژیم جمهوری اسلامی بعد

از نزدیک به صد هزار تلفات ناشی از کرونا " در حال" تهیه آن برای دو ماه آینده است. این برخورد رژیم جمهوری اسلامی مانند تمامی کارها و برنامه هایی که دارد با اخبار ضد و نقیض و گیج کننده روبرو است تا انتظار مردم از مسئولین رژیم برای جوابگویی را شامل مرور زمان کند. اما مردم می پرسند کشور کوچکی مانند کوبا چگونه قادر به تولید واکسن کرونا است ولی بسیار از کشورهای بزرگتر از جمله ایران باید از آنها کمک بگیرد.

در ایران همه مسائل اجتماعی درهم تنیده شده است و بعلت هرج و مرج ساختاری نظام حاکم هیچ کاری نه با کارشناسی علمی و نه مدیریت درست جلو می رود. مشکل کرونا و دیگر معضلات هم از کل این نظام و ساختارهایش که بی مسئولیتی در قبال جامعه یک موضوع نهادینه در سطح بالای مدیریت آن است، ناشی می شود. اما برعکس نظام سرمایه داری که همه چیز را در سود و بازار و درآمد شخصی می بیند، بر پرچم سوسیالیسم در ارزش انسان در جامعه آمده است: "یکی در خدمت همه و همه در خدمت یک نفر" تحقیقات کرونا باید در خدمت همه قرار گیرد، واکسن باید همگانی و رایگان باشد و هیچ کشوری نباید حق استفاده بیشتری نسبت به دیگر کشورها از این تولیدات و تحقیقات داشته باشد.

ع.ع

برگزاری هشت مارس.... بقیه از صفحه ۱

و انگلس در آن نقش فعالی داشتند هیچ نماینده ای از زنان شرکت نداشت. و در اسناد بایگانی شده آن سال های اولیه، در یادداشت های صورت جلسات، حرفی از زنان در میان نیست. اما در کمون پاریس سقف جهان شکسته شد و نقش برجسته زنان کارگر همراه مردان نمایان شد. زنان کارگر کمون در برابر نیروهای سرکوبگر ورسای ایستادند. در اینجا بود مارکس شرکت زنان در کمون پاریس را بسیار ستود و دارای اهمیت تاریخی تلقی نمود. امسال صد پنجاهمین سالگرد کمون پاریس است سالی که زنان کارگر پاریس مسلحانه دوش بدوش دیگر کمونارها تا آخر قهرمانانه جنگیدند. انقلاب اکتبر و شرکت زنان در صفوف انقلابیون در کلیه زمینه ها نشان داد که زنان توانایی برابر با مردان دارند از اولین قوانین انقلابی پرولتاریا اعلام برابری زن و مرد بود. مروری به عملکرد یک قرن و نیم گذشته در



حقیقت را بپذیرند و طبق این واقعیت اجتماعی بویژه در کشور ایران که قوانین زن ستیز اسلامی هزار و چهارصد سال پیش حجاز را اعمال می کند توجه جدی کنند.

حزب رنجبران ایران با اینکه در صفوف خود در سطح رهبری رفقای چون شکوه طوافچیان، وفا جاسمی و ترانه لطفعلیان پروارنده که در هر دو رژیم شاه و شیخ با دفاع از جنبش زنان و کمونیسم در زیر شکنجه کشته شدند اما بری از این اشتباه تاریخی در جنبش کارگری و کمونیستی نبوده و امروز تأکید دارد که وظیفه ایجاد حزب کمونیست متحد در پیوند با جنبش کارگری، وظیفه بسط و گسترش تشکل های مستقل کارگری و وظیفه ایجاد وسیعترین صفوف متحد توده های استثمار شده و ستم دیده بدون وجود یک جنبش مستقل زنان با سمت و سوی سوسیالیستی تحقق نخواهد پذیرفت.

به پیش برای ایجاد یک تشکل سراسری مستقل زنان زنده باد هشتم مارس روز همبستگی جنبش زنان با جنبش کمونیستی و کارگری زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران ۲۳ بهمن ۹۹



به پیش برای انقلاب... بقیه از صفحه ۱

واحد و سراسری را با شرکت در جنبش کارگری و زحمتکش وجود آورند تشکل های مستقل کارگری را به نیروی سازمانده برای گسترش تشکل های کارگری در سراسر ایران تبدیل کرد وسیع ترین نیروهای اجتماعی مترقی جامعه که مخالف رژیم جمهوری اسلامی هستند را برای تحقق انقلابی دیگر، انقلابی برای ۹۹ در صدی ها بسیج و متشکل کرد

نه به جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران

توسط خمینی بدون وجود نقش فعال احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی نشانی بارز از دوری رهبری های این تشکلات کمونیستی از جنبش زنان بود و در عین حال گواهی است بر مستقل بودن جنبش زنان و توانایی آن در مبارزه رو در رو با نظام تازه به قدرت رسیده که در اولین روزهای حکومتش برای سرکوب جنبش زنان به میدان آمده است. این جنبش زنان به قدری قوی و پر قدرت بود که خمینی را مجبور به عقب نشینی کرد. جنبش کارگری و کمونیستی ایران اساساً هیچگاه حتی تا به امروز نتوانسته به جنبش زنان بعنوان یک جنبش مستقل اجتماعی با نیازمندی های مستقل آن برخورد کند. تعجب در اینست که حق جنبش دانشجویی را در ایجاد تشکلات مستقل خود قبول دارد ولی در مورد زنان چنین حقی را قائل نیست. بدون شک جنبش چپ و کمونیستی ایران در این صد سال گذشته نقش مثبت و مترقی در مبارزه زنان ایفا کرده است ولی تا به امروز نتوانسته به این نقطه نظر درست تاریخی برسد و در عمل برای پیاده کردن آن مبارزه کند که جنبش زنان، جنبشی است مستقل با خواست های ویژه خود و طبق قانونمندی و ویژگی های خودش باید عمل کند تا بتواند این نیروی عظیم توده ای را بسیج و متشکل همراه و همسو با جنبش سوسیالیستی و کارگری به جلو سوق دهد. علت اساسی اینکه در ایران نیروهای کمونیستی موفق به کشاندن نیمی از توده های مردم که زنان باشند در تناسب با مردان نشده اند اینست که خط مشی عمومی سیاسی آنها یا رفرمیستی بوده و یا سکتاریستی بدور از جهانیستی توده ای پر کردن صفوف حزب از مردان بویژه در سطوح کادرها و رهبری از یک بینش و برخورد ابزاری به جنبش زنان بر می خیزد. در جمهوری سرمایه داری اسلامی زنان در سه زمینه بطور ویژه استثمار می شوند و تحت ستم هستند این سه زمینه عبارتند از:

۱- مزد و حقوق نابرابر در انجام کار مساوی در مقایسه با مردان، یعنی استثمار کردن مضاعف زنان. این نابرابری در تمام جهان هنوز موجود است ولی در ایران بس شدید تر می باشد.

۲- زن در جامعه مرد سالاری کنونی ما در کلیه زمینه ها تحت ستم مردان جامعه قرار دارد از درون خانواده تا محل کار و اداره چنین فرهنگی حاکم است.

۳- وجود نظام اسلامی خود چون بختکی بر گرده ی قاطبه زنان سنگینی می کند از حجاب اجباری گرفته تا حقوق نامساوی مدنی. این چپ و کمونیستها هستند که باید این

رابطه با چگونگی تکامل نظرات جنبش چپ و کمونیستی به مسئله زنان نشان میدهد درک نقش مهم تشکلات توده ای زنان بسختی جلو رفته است. لنین در تبادل نظر با کلارا زدکین در باره ی سازماندهی انترناسیونال کمونیستی زنان در درجه اول بر ضرورت ایجاد چنین سازمان مستقل زنان جهان تأکید دارد. این زمانی است که انترناسیونال سوم بوجود آمده است. لنین تأکیدش روی ایجاد یک انترناسیونال کمونیست زنان در آنست که بتواند به یک تشکلات توده ای که نه تنها کمونیست ها در آن عضو باشند بلکه زنان غیر کمونیست، غیر کارگر هم باشند و دقیقاً از زنان دهقان و خرده بورژوازی نام می برد. در مقابل چنین نظری گرایشی از چپ موجود بود که مخالف ایجاد یک تشکلات جدا گانه زنان بود و تأکید می کرد زنان کارگر مثل مردان باید عمل کنند. آنها که کمونیست هستند در حزب هستند و زنان کارگر هم در تشکلات کارگری. حزب ما در ادامه نظریه لنین همیشه با ایجاد سازمان زنان بعنوان یک تشکلات توده ای و مستقل زنان مبارزه کرده است. در دوره رژیم شاهنشاهی ما نه تنها از وجود کنفدراسیون جهانی دانشجویی پشتیبانی می کردیم بلکه از پیشنهاد ایجاد سازمان زنان هم با تمام نیرو پشتیبانی کردیم و با موفقیت سازمان زنان ایران موازی با کنفدراسیون با دبیری دکتر شکوه طوافچیان بنیاد گذاشته شد. با توجه به شرایط جامعه ایران و سلطه ی دیکتاتوری ولایت فقیه زن ستیز باید تأکید کنیم: بدون تشکلات توده ای و انقلابی زنان که نیمی از جمعیت ایران را تشکیل میدهند هیچ انقلاب سوسیالیستی نمی تواند پیروز شود. متقابلاً هیچ جنبش مستقل توده ای زنان بدون داشتن سمت و سوی انقلاب سوسیالیستی و در پیوند فشرده با جنبش کارگری در عصر کنونی به پیروزی در رهایی زنان نخواهد رسید.

شاید بتوان گفت ارتجاع مذهبی در انقلاب ۵۷ یکی از برتری هایش در برابر نیروهای مترقی و چپ نفوذ در میان زنان و کشاندن آنها به یک نیروی فعال خیابانی در راهپیمایی های ضد رژیم شاه بود. برخورد فمینیستی بورژوازی دوران سلطنت به مسئله زن و استفاده ابزاری از زنان بویژه کپی برداری از فرهنگ بورژوازی غرب نسبت به زن از یکسو و تبلیغات دروغین اسلام گرایان در باره جنبش های فمینیستی و لجن پراکنی مرد سالارانه تحت عنوان غرب زدگی از سوی دیگر زمینه را برای دار و دسته های اسلامی در جلب زنان فراهم آورده بود. اما اعتراض پر قدرت زنان مترقی در هفتم اسفند ۵۷ به اعلام حجاب اجباری

بدون شرکت زنان هیچ انقلابی به پیروزی نمی رسد



سالگرد شکست انقلاب ۵۷.... بقیه از صفحه ۱

طبقه کارگر رشد سریعی داشت. بورژوازی ایران توانست به اتکا به پول نفت و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، به وضعیت مالی و سیاسی خود سرو سامانی بدهد. کارخانه های بیشمار مونتاژ سربرآوردند، شرکت های بورژوازی بطور فعال و در ابعاد دهها هزار شکل گرفتند. شهرها دارای بازارهای فعال اقتصادی شدند. هزاران دهقان زمین های خود را رها کرده و در کنار شهرها و در حلبی آبادها بکار در بخش خدمات و ساختمان سازی و نیز کارخانجات تولیدی مشغول شدند. افزایش قیمت نفت بورژوازی نورسیده ایران را بطور چشمگیری و زود رسی به بورژوازی دارای درخواست های منطقه ای تبدیل کرد. خرید اسلحه توسط رژیم شاه که اساساً توسط غرب و برای جلوگیری از نفوذ شوروی تأمین می شد، خود به بلند پروازی های رژیم شاه از قدرت سیاسی و اقتصادی خود می افزود. شاه بطور واقعی می خواست نقش ژاندارم منطقه را بازی کند و آنرا اولین قدم در راه بلند پروازی های بورژوازی ایران می دید. در عین حال رژیم فئودالی شاهنشاهی که رژیم پهلوی بویژه در دوران رضا شاه نماینده دوران گذار آن بود، با بعهد گرفتن نقش دولت بورژوازی پیرامونی با اتکا به امپریالیست های غربی به ویژه آمریکا؛ دوران گذار جامعه فئودالی به بورژوازی را خود برعهده گرفت و توان خود را در تسلیم به طبقات حاکم استثمارگر و در حفظ قدرت نشان داد. در عین حال رژیم شاهنشاهی رژیمی بشدت بسته و در حیطه یک فامیل سلطنتی به رهبری مطلقه شخص شاه و در رأس هرم قدرت و تصمیم گیرنده اصلی و نهایی بر سر هر موضوعی بود. این قدرت لایزال که خود را سایه خدا می دانست هر روز بر توهمش مبنی بر رسیدن به تمدن بزرگ که فرمولی کاملاً مبهم و ظاهراً الگوبردارانه بود می افزود. وجود آزادی های شخصی در سطحی محدود همراه بود با اختناق شدید سیاسی، تعطیل کردن تمام احزاب علنی معترض، سرکوب هر گونه جنبش آزادیخواهی و رادیکال، سرکوب کمونیست ها و انقلابیون متشکل، سرکوب جنبش های ملی، بستن اکثر روزنامه های دموکرات و مترقی و معترض و ایجاد یک حزب فاشیستی به نام رستاخیز و بستن دهان حتی خودی های منتقد. همزمان باز کردن شرایط و امکانات اجتماعی برای روحانیت علیه کمونیست ها. در عین حال

بحران اقتصادی که با سقوط قیمت نفت و پایان « رشد اقتصادی » بود به بحران شدید اقتصادی منجر شد و بالا رفتن قیمت ها به عصیانگری طبقات پایین جامعه هر دم بیشتر می افزود.

در سطح جهانی بلوک شرق با اینکه در افغانستان و برخی دیگر از کشورها به لحاظ نفوذ در حال رشد بود، اما در درون خود دچار مشکلات عدیده ای بود که امکان ادامه شکل بندی آن را غیر ممکن کرده بود. در حقیقت می توان گفت که رهبران شرق در عدم مدیریت درست اقتصادی و سیاسی رقابت را به غرب واگذار کرده بودند. و غرب اینرا خیلی خوب می فهمید و به همین دلیل تغییر نقشه سیاسی جهان به امر اجتناب ناپذیری فرا روئیده بود. در این میان شاه عملاً قدرت مانور خود را در برابر غرب از دست داده بود و دیگر از پشتگاه امپریالیست های غربی برخوردار نبود. وقتی انقلاب فرا رسید رژیم شاه پایگاه طبقاتی خود را به درجات زیادی در بین بورژوازی ایران از دست داده بود و هیچ پشتگاه بین المللی که روی آن حساب باز کند نداشت.

مجموع این شرایط که با افت قیمت نفت و تعطیل شدن طرح های اقتصادی و تمرکز سیاسی بر روی حزب رستاخیز، با نوشته ای در حمله به خمینی در روزنامه اطلاعات که هنوز هم کاملاً نقاط بسیار کور و مبهمی در آن هست، ناگهان به حریقی تبدیل شد که مردم عاصی از دیکتاتوری و فشار اقتصادی را به خیابان ها سرازیر کرد. در همان حال دارودسته های اسلامی از انجمن حجتیه، حوزه های علمیه قم و مشهد و.... که بیش از دیگران متشکل بودند، توانستند زیر قدرت رهبری خمینی خود را مجدداً سازماندهی کرده و از موقعیت بدست آمده بیشترین استفاده را بکنند. در این اثنا مردم معترض و غیر متشکل، در زمانی که اکثر انقلابیون و فعالین سیاسی دموکرات و انقلابی و کمونیست در زندان بودند، تشکیلاتی سازمان یافته از مدارس و کادرهای اسلامی را یافت که همه جا آماده گرفتن قدرت و سرکوب بودند. قدرت اسلامی که از زیر با امپریالیست ها مشغول چانه زنی برای بدست گرفتن قدرت سیاسی بود و در ظاهر علیه امپریالیست ها و رژیم شاه شاخ و شانه می کشید.

انقلاب سال های ۵۶-۵۷ با تحکیم هژمونی روحانیت مرتجع بر آن در نطفه شکست خورده بود اگر چه از روز به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی مقاومت در برابر این شکست ادامه داشته است. بطور خلاصه باید

گفت که انقلاب سال های ۵۶-۵۷ محصول جنبش علیه حکومت شاهنشاهی بود که به سرنگونی تاریخی آن ختم شده. با اینکه به نظام شاهنشاهی به صورت قطعی در تاریخ ایران خاتمه داد اما رژیمی با ساختارهای مشابه و همگون در شکل اسلامی را به قدرت رساند.

اما با وجود شکست، ناشی از خلاء قدرت در مدت بسیار کوتاهی پیامدهای جنبش عظیم ترین توده های ستمدیده و فقیر توانست آزادی های سیاسی را در کف خیابان ها در حد محدودی فراهم سازد. مدتی کوتاه که سازمان های سیاسی با تمامی نقاط ضعف شان توانستند در آن، در سطح کمی رشد کنند. به قدرت رسیدن اسلامیت ها و هژمونی آنان بر جنبش اعتراضی مردم حتی قبل از ۲۲ بهمن که روز رسمی جابجایی دو رژیم شاه و اسلامی است، شکل گرفته بود. اما به عنوان سمبلیک ۲۲ بهمن برای نیروی تازه به قدرت رسیده روز پیروزی و برای مردم ستمدیده و استثمار شده و آزادیخواه روز شکست انقلاب است.

این شکست، پی آمدهای بشدت زیانبار برای مردم ایران و خاورمیانه بجای گذاشت. یکی از اولین اثرات آن دامن زدن خشونت افسار گسیخته و بربر منشانه از طرف رژیم جمهوری اسلامی در ابعاد بسیار گسترده علیه مردم، به کرسی نشاندن قصاص اسلامی و حاکم کردن دیگر قوانین قرون وسطایی بر سر مردم و دامن زدن به تضادهای مذهبی و ملی و منطقه ای، افزایش اختلاف طبقاتی، از بین بردن و عقب راندن بیشتر زنان از جامعه و پایمال کردن حقوق آنان و.....

در سطح منطقه ای ناشی از سقوط بلوک شرق و تهاجم امپریالیست های غربی. گروههای فاشیست اسلامی مانند قارچ با کمک امپریالیست های غربی روئیدند و زندگی جهنمی برای مردم خاورمیانه و کشورهای مذهب زده بجای گذاشتند و در کمک به نظامی گری در سطح منطقه ای نقش به سزایی ایفا کردند.

روز ۲۲ بهمن روز به پیروزی رسیدن یکی از عقب مانده ترین نیروهای سیاسی در کشور ماست، روز پیروزی رژیم اسلامی بر رژیم شاهنشاهی. روز رسیدن یک دستگاه انگلی عریض و طویل مذهبی جامعه به دولت.

بررسی انقلاب بهمن بدون پاسخ دادن به این سؤال که چرا در یک جنبش عظیم توده ای که عمدتاً اقشار متوسط و پائین جامعه در آن شرکت داشتند یک ضد انقلاب هار و عقب



بازداشت شدگان کردستان

در روزهای اخیر ما شاهد دستگیری دهها نفر از فعالین مدنی، دانشجویی و زیست محیطی در شهرهای مختلف کردستان هستیم. یکنه هجوم گسترده با اینکه تازگی ندارد و چماق سرکوب دستگاه امنیتی رژیم جمهوری اسلامی در کردستان همیشه دراز و سنگین بوده است اما اینبار این بازداشت های گسترده بازتابی وسیع بخود گرفته و نگرانی خانواده های بازداشت شدگان را دو چندان کرده است آیا بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی خلغالی دیگری را به کردستان روانه کرده است؟ آیا فرمانده کل قوا از ترس خیزشی دیگر برای جلو گیری از هرگونه اعتراضی گسترده با توجه به ناتوانی های حکومت در کردستان دست به چنین دستگیری های گسترده در شهرها و روستا های کردستان زده است؟

منطق رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ضد مردمی و ارتجاعی اش سرکوب و بکار برد زور در برابر هرگونه آزادی بیان، فعالیت های مدنی و حتی دفاع از محیط زیست و حقوق بشر است. اما این راه چاره در عمل چنین منطقی جز شکست برای حاکمان به بار نیاورده است امروز رژیم جمهوری اسلامی در مناطق کرد نشین از کمترین پشتیبانی برخوردار است. مقاومت و پایداری در مقابل منطق حاکمیت در این سالها حرف اول را زده است و بی شک همچنان خواهد زد.

باید متحداً برای آزادی بدون قید و شرط دستگیر شدگان بر خیزیم امروز رژیم جمهوری اسلامی در مانده و فرومانده است، تضادهای حکومتی هر روز بیشتر آنها مختل می کند، توده های عظیم کارگران در سراسر ایران در حرکتند، بازنشستگان هر روز برای کسب حقوق در خیابان ها در اعتراضند. همین وضعیت برای کارکنان زحمتکش واز خود گذشته جبهه ی بهداشت و مبارزه با کرونا نیز وجود دارد. بدین طریق رژیم حلقه به حلقه توسط مردم در محاصره قرار دارد منطق رژیم در این سالهای طولانی، چیزی جز شکست برایش ببار نیاورده است بی شک اینبار هم با مبارزه و مقاومت متحد و سراسری پیروزی از آن بازداشت شدگان است.

حزب رنجبران ایران

دلیل این حرف لنین که می گفت بدون تئوری انقلابی هیچ انقلابی به پیروزی نخواهد رسید در انقلاب ایران تأیید شد. وقتی نیروی ذهنی انقلاب آماده نبود، نیروی ذهنی ضد انقلاب جای آنها گرفت آنها در جامعه ای که بسیار لاک پشتی در روند سیر بی تفاوتی به مذهب بود. ناگهان مساجد و تکیه ها به مرکز روابط و انقلاب تبدیل شدند و خرافات مذهبی با شدتی بی سابقه برای مدتی سر بر آورد. رژیم با سازماندهی اوباش و عقب مانده ترین عناصر حاشیه نشین شهرها و روستاها و با شعار حزب فقط حزب الله سرکوب را در وحشیانه ترین و عریان ترین شکلش و با برپایی چوبه های دار در وسط شهرها شروع کرد. اما حتی قتل عام های کوچک و بزرگ هم نتوانست جلوی مبارزه مردم علیه رژیم را بگیرد. امروز با اینکه درک کل جامعه از رژیم جمهوری اسلامی و اسلام بسیار بالا رفته است، اما هنوز مشکلاتی و کمبودهایی که باعث شکست انقلاب شد پابرجاست. ستون فقرات انقلاب ایران یعنی طبقه کارگر از حزبش برخوردار نیست، سازمان های کمونیستی در پراکندگی بسر می برند و هنوز سازمان های توده ای طبقه کارگر ریشه دار نیستند. جدا از پراکندگی نیرو های کمونیستی، پیوند این سازمان ها با طبقه کارگر به اندازه کافی مستحکم نیست. تفرقه خود باعث تشتت فکری و برنامه ای شده است و کار سرنگونی رژیم اسلامی را بغرنج تر کرده است. با این حال مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی به یک شعار بشدت توده ای تبدیل شده است و در ۴۲ سال گذشته مردم ستم دیده و سرکوب شده ما قدم های بزرگی برای سرنگونی این رژیم برداشته اند. در ۴ دهه گذشته رژیم روند انفراد و نفرت در بین توده ها را پیموده است. عنصر عینی انقلاب آماده شده است، آیا عناصر ذهنی انقلاب می توانند با استراتژی و تاکتیک های مناسب این روند را عینیت ببخشند. این وظیفه ای که بر دوش نیروهای کمونیستی و طبقه کارگر قرار گرفته است. آنچه که روشن است جمهوری اسلامی رفتنی است اما این کافی نیست. امروز ما باید آلتزناتیو بعد از رژیم اسلامی را به پرچم مبارزات مردم تبدیل کنیم. آلتزناتیوی که بر پرچم آن نوشته شده است:

زنده باد سوسیالیسم .

مهران پیامی

مانده به قدرت رسید، کامل نیست.

روند رشد سرمایه داری در ایران و قدرت گیری روز افزون دربار و شاه و ضدیت و ترس رژیم از کمونیسم و مشخصاً حزب توده و همسایه شمالی روسیه رژیم را به اسلامیت ها نزدیک کرد و اجازه داد که آنها مجدداً خود را علیه کمونیسم سازماندهی کنند. در حقیقت حیاط خلوتی که رژیم شاه می خواست برای خود دست و پا کند، با حضور اسلامیت ها پر می شد و آنها در سطحی گسترده با بدست گیری مساجد و حوزه های علمیه و دیگر نهادهای مذهبی جای پای خود را در افشار پائینی جامعه مستحکم می نمودند. همزمان شاه مشغول پاکسازی ایران از احزاب دموکرات و سازمان های چپ و کمونیست بود. این وضعیت تا مقطع سال های ۵۶ ۵۷ که جنبش های اعتراضی علیه شاه شکل گرفت ادامه داشت. اما جامعه در آن مقطع بعلت دیکتاتوری رژیم شاه از کمبودهای وسیع فرهنگی - سیاسی رنج می برد بندرت روزنامه ای غیر دولتی چاپ می شد. هیچ روزنامه ای از تیغ سانسور نمی گذشت و کمیت جای خود را به کیفیت داده بود. حتی دانشگاهها هم از زیر فشار سیاسی دولتی در امان نبودند.

سال های ۵۶ ۵۷ وقتی که فشار جنبش توده ای باعث ترک های اولیه ای در رژیم شاه شده بود، مردم تشنه آزادی های سیاسی و یادگیری بودند. حضور سازمان های سیاسی کمونیست تأثیرات قابل ملاحظه ای در جلوگیری از سیاست های رژیم جدید و عملی کردن آن در جامعه داشت. با این حال ضعف تشکل های مستقل سیاسی - صنفی و فرهنگی و عدم تجربه توده ای از نقش تاریخی دستگاه روحانیت در ایران را پادزهری برایش وجود نداشت. بسیاری از مردم از جمله افراد مسن جامعه ناشی از تجزیه تاریخی مخالف رژیم جدید بودند.

وقتی مدیاهای جهان همراه با مرتجعین داخلی آنها در شرایطی که تجربه توده ای از تحولات سیاسی دو نسل عقب بود و هیچ سازمان سیاسی مترقی وجود نداشت که توطئه های بورژوازی مذهبی داخلی و همراهی امپریالیست ها را افشا کند و در بین جامعه از طریق آگاهی پادزهر آن را بوجود بیاورد ولی به جایش عکس خمینی در ماه انعکاس خبری وسیع پیدا می کرد، می توان فهمید که این انقلاب مانند انقلاب مشروطیت از دو طرف مورد حمله قرار گرفت ارتجاع داخلی و امپریالیست های خارجی. در هر دو انقلاب نیروی کمونیستی و طبقه کارگر در جلوی صحنه مبارزه توده ای نبود. به همین



گردهمایی کشاورزان هند

برگرفته از ستاره سرخ - حزب کمونیست هندوستان (فوریه ۲۰۲۱)



درد های انقلابی به کشاورزانی که گردهمایی قدرتمندی را در دهلی برگزار کردند!

پلیس دهلی و عناصر جنایتکاری که در تجمع نفوذ کرده اند مسئول خشونت هستند!

به دولت مودی، RSS Parivar و Godi اجازه ندهید تا عطف توجه از موضوع اصلی، لغو سه فعالیت در عرصه کشاورزی را با عملیات تخریبی، که خود مسئول آنها هستند، منحرف کنند!

گردهمایی در حمایت از لغو سه قانون کاردر عرصه کشاورزی و مبارزه کشاورزان برای تحقق آن!

حزب کمونیست هندوستان (ستاره سرخ) CPI (ML) به صدها هزار کشاورز و حامیان آنها که تجمع بزرگی همراه با هزاران تراکتور در خیابان های دهلی ترتیب داده و درخواست خود را برای لغو ۳ قانون کار کشاورزی جهت ایجاد شرکت های بزرگ کشاورزی طرح کردند، درود می فرستد.

پیش از این، پس از آنکه دادگاه عالی از پلیس دهلی خواست تا درمورد اجازه تجمع تصمیمی اتخاذ کند، پلیس دهلی و وزارت امور داخلی تحت مسئولیت آمیت شا (Amit Shaw)، آگاهانه به ایجاد سردرگمی دامن میزدند، و در این باره تکرار می کردند که اجازه نه در داخل دهلی و نه از طریق جاده کمربندی مجاز نخواهد بود. بهمین خاطر کیشان سنگارش مورکا (Kisan Sangharsh Morcha) را مجبور کرد

کردن اذهان از خواسته اصلی اکثریت کسانی که در دهلی و بسیاری دیگر که در بمبئی، کلکته و سایر مراکز برای لغو سه متمم قانون در خدمت به منافع شرکت های بزرگ کشاورزی تجمع کردند، می باشد.

ما از طبقه کارگر، کلیه طبقات و اقشار تحت ستم مردم می خواهیم که این توطئه دولت فاشیست مودی را در بدخواه کردن جنبش کشاورزان که علیه فعالیت منوپولی شرکت های بزرگ شکل گرفته افشا کنند و با قاطعیت از خواسته کشاورزان برای لغو این قوانین کشاورزی با شعارهای داده شده در بالا، حمایت کنند.

با قدر دانستن کمقهار مالر
رفقا و دوستان به حزب، ذکر
این نکته را ضرور در دلانیم
که تکلیف مالر حزب به اعضا
و توده ها در پیشبرد مبارزه
طبقاتی، روش انقلابی و
پرولتاریا است در حفظ
استقلال سازمان و جد
نسخه از طبقه کارگر و توده ها

بجز نوشته هایر که با
امضا تصریریه منتشر مر
گردد و بیانگر نظرات
حزب رنجبران ایران مر
باشد

دیگر نوشته هار مندرج در
نشریه رنجبر به امضا هار
فرد است و مسئولیت
آنها با نویسندگان شاخ مر
باشد.

اعلام کند که با مجوز و یا بدون مجوز، آنها تظاهرات را برگزار خواهند کرد. در این مرحله بود که پلیس دهلی با اعلام مجوز برای تجمع موافقت کرد و از طریق بحث و گفتگو متقابل سه مسیر مورد توافق واقع شد. رهبران KSM و AIKSCC تمام هماهنگی ها را بر این اساس انجام دادند اما از صبح روز بیست و ششم پلیس بر خلاف توافقات حاصله، تلاش کرد تا با خودداری از برداشتن سنگرهای موقتی مشکلاتی ایجاد کند. بدین ترتیب شبانگاه آنها به تعداد سنگرها در ابعاد وسیع افزودند. دهقانانی که در طی ۶۱ روز گذشته در شرایط سرمای شدید بیش از ۱۵۰ نفر از همزمانشان به شهادت رسیده بودند، خشمگین شده و تصمیم گرفتند با در هم شکستن موانع (سنگربندی ها) به دهلی بروند.

در ساعت ۹:۳۰ آنها سدره های مرزی سینگو، تیکری و غازی پور را شکستند و کشاورزان پیاده در جلو و تراکتورها از پس آنها راهپیمایی را آغاز کردند. اما پلیس و سایر دستگاههای امنیتی با شلیک گلوله های اشک آور به روی کشاورزان در نزدیکی گذرگاه آزادپور و نانگلوی و کشتن یک کشاورز با گلوله پلیس در نزدیکی ITO تحریکاتی را ایجاد کردند. در کنار این، برخی از عناصر جنایتکار به تجمع نفوذ کرده و سعی در ایجاد اغتشاشاتی داشتند که گفته می شود با اطلاع پلیس و RSS parivar بوده است.

به واسطه این اغتشاشات، برخی از کشاورزان تحریک شدند و بناچار به سمت ITO، قلعه سرخ و برخی نقاط دیگر در شهر راهپیمایی کردند. با استفاده از این حوادث، سخنگویان دولت مودی، RSS parivar و رسانه های Godi تبلیغات سوء را علیه کشاورزان آغاز کردند مبنی بر اینکه آنها به تخریب متوسل میشوند و بدینوسیله توجه را از این واقعیت منحرف می کنند که اکثریت قریب به اتفاق مردم علیرغم دسیسه های پلیسی، تحت رهنمودهای رهبری در حفظ نظم و انضباط مشارکت می کنند، و این تحریکات پلیس و اقدامات جانینان نفوذی است که مسئول هرگونه آشوب می باشد.

تلاش آگاهانه این نیروها و آمیت شا برای استفاده از این اغتشاشات به منظور منحرف



با اتحاد و همبستگی علیه رژیم گندیده سرمایه داری

با اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر علیه توطئه های سرمایه داری اسلامی در ایران بپاییزیم!
علی نجاتی جهت تحمل حبس احضار شد!



علی نجاتی از اعضای سندیکای کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، طی یک تماس تلفنی جهت تحمل دوران محکومیت ۵ ساله خود به شعبه یک واحد اجرای احکام دادسرای اوین احضار شد.

طی چند هفته گذشته، از طرف اجرای احکام زندان اوین با علی نجاتی تماس گرفته شد، که برای اجرای حکم ۵ سال زندان، خود را به این زندان معرفی کند. در طی این تماس علی نجاتی تهدید شد که در صورت عدم حضور در این مرحله، حساب بانکی اش مسدود خواهد شد و مدتی بعد از این تماس، حساب بانکی او از طرف زندان اوین مسدود شد.

با پیگیری‌های به عمل آمده در شعبه یک اجرای احکام زندان اوین، مشخص شد که پرونده علی نجاتی و سپیده قلیان مربوط به اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه بوده که قبلاً مختومه اعلام شده بود.

همگان را فرا میخوانیم تا متحدان در مقابل احضار، دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام فعالین کارگری، مدنی، قومی و اجتماعی علیه نظام سرمایه داری حاکم در ایران ایستاده و به هر شکل که میتوانیم نهادها، و تشکلهای کارگری و مردمی بین المللی را به محکوم کردن این رژیم فرا بخوانیم.

خواستار آزادی تمامی فعالین کارگری، حامیان کارگران و تمامی زندانیان سیاسی هستیم!

شورای همراهی با آلترناتیو کارگری

فوریه ۲۰۲۱

بیانیه مشترک در رابطه با دستمزدها

بیانیهی تشکلهای مستقل کارگران، بازنشستگان و معلمان پیرامون حداقل مزد سال ۱۴۰۰

مزد کارگران در سال ۱۴۰۰ نباید از دوازده و نیم میلیون تومان کمتر باشد

سالهاست که نظام سرمایه داری و دولت‌های حامی آن، با استثمار هرچه شدیدتر و غیرانسانی‌تر کارگران آنان را به روز سیاه نشانده و از بسیاری از حقوق اجتماعی خود محروم کرده‌اند. تا جایی که طبقه‌ی کارگر ایران امروز در شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسای زندگی می‌کند. براساس داده‌های آماری و تحقیقات برخی مراکز و موسسات اقتصادی، در شرایط کنونی بیش از ۴۰ درصد از مردم ایران که بخش قابل توجهی از آن را کارگران تشکیل می‌دهند در زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند.

گرانی و تورم بیداد می‌کند و قیمت کالاها و مایحتاج روزمره و مورد نیاز مردم، هفتگی و گاه روزانه گران می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به قیمت خوراکی‌ها اشاره کرد که در کمتر از یک سال بنا به گفته مقامات رسمی بیش از ۵۷ درصد رشد داشته که در واقعیت بیش از این است. اختلاس و دزدی در بین برخی از مسئولین و مقامات متداول شده و بخش وسیعی از ثروت اجتماعی در کشور را به تاراج می‌برد. همه‌گیری ویروس کرونا بر بسیاری از مشاغل تأثیر منفی گذاشته و بخش‌های قابل توجهی از فرصت‌های شغلی را از بین برده است. قیمت دلار سیر صعودی داشته و به نوبه خود به رشد تورم در کشور دامن زده است. افزایش نرخ بیکاری، همراه با افزایش نرخ تورم، شاخص فلاکت در کشور را به میزان زیادی بالا برده است. تا آن جا که در شرایط کنونی یک شکاف ۳۶۰ درصدی بین دهک‌های اول و دهم وجود دارد که موجب شده است فاصله بین غنی و فقیر در جامعه به مرز انفجار برسد.

وجود چنین شکافی به قیمت فرسوده شدن نیروی کار و رو آوردن کارگران به مشاغل دوم و سوم، ترک تحصیل فرزندان، سوء تغذیه و حذف هزینه‌های درمانی و بهداشتی، ورزشی، تفریحی و به دنبال آن افزایش بیماری‌های جسمی و روحی در بین کارگران و اقشار تهیدست جامعه شده و بر شدت فقر و فلاکت

و بی‌خانمانی و دربدری و افزایش چشمگیر و بی‌سابقه فساد و اعتیاد و دزدی و تن‌فروشی، خودکشی، کار کودک، کارتن خوابی، زباله گردی و... افزوده است.

چنین وضعیتی را در اساس باید ناشی از نظام نابرابر سرمایه داری و متأثر از آن، رشد و تعمیق شکاف طبقاتی دانست. ضمن این که تهاجم بی‌وقفه و مستمر دولت‌های سرمایه داری نئولیبرال را در سرکوب مزدی کارگران در طول این سال‌ها، نباید از نظر دور داشت. این دولت‌ها در راستای حمایت از سرمایه، همواره تلاش می‌کنند تا سطح مزد کارگران را پایین نگه داشته و آن را از راه‌های مختلف به کارگران تحمیل نمایند. یکی از این راه‌ها، تعیین «حداقل مزد»، به میزانی به مراتب پایین‌تر از خط فقر است. این وظیفه را همه ساله «شورای عالی کار» بر عهده داشته و آن را با استفاده از ساختار مسلط قانونی و یک جانبه به سرانجام می‌رساند. ایجاد تشکلاتی وابسته نظیر «شورای اسلامی کار» و نمایندگان برآمده از این تشکلات ضدکارگری در «شورای عالی کار» از ابزارهای ساختار مسلط قانونی می‌باشد.

امسال نیز همانند سال‌های پیش، دولت و بخش خصوصی با طرح موضوع مزد منطقه‌ای و تعیین «حداقل مزد» جداگانه برای کارگران مجرد و متأهل، تلاش دارند به سرکوب مزدی بیش‌تری اقدام نمایند و تا آنجا که می‌توانند کارگران ارزان و مطیع را با سیاست‌های مزدی خود، در اختیار بگیرند.

مسئله «حداقل مزد»، مسئله همه کارگران است. زیرا از یک سو بخش بسیار مهمی از کارگران - کارگران شاغل - مزدی برابر حداقل رسمی مزد یا کمتر از آن دریافت می‌کنند و از سوی دیگر حداقل مزد، خود، مبنای تعیین دیگر مزدهاست. به عبارت دیگر سایر مزدها، خود، مضربی از «حداقل مزد» هستند. از آنجا تعیین مزد سایر مزدبگیران از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و... با میزان «حداقل مزد» کارگران ارتباط دارد، سطح مزد سایر مزدبگیران نیز پائین خواهد بود.

[شورای بازنشستگان ایران]

در شرایط کنونی طیف گسترده‌ای از کارگران، به ویژه کارگران خدماتی، معلمان خرید خدمت، کارگران پیمانی و... حتی پایین‌تر از حداقل مزد، به میزانی کم‌تر از یک میلیون تومان، آن هم گاه با هفته‌ها و ماه‌ها تأخیر دریافت می‌دارند. مضاف بر این که کارگران



روند فرایند انقلاب... بقیه از صفحه آخر

سر سخنان از نوع فدائیان اسلام با عمامه و عبا را بر اریکه قدرت مطلقه نشانند در پرتو این تجربه تاریخی و اوضاع کنونی ادامه مقاله روند فرایند انقلاب آینده ایران را دنبال می کنیم.

آیا در اوضاع کنونی با اوضاع سال های قبل از انقلاب ۵۷ چه شباهت ها و تفاوت هایی موجود است؟ بنظر می رسد در سه زمینه در خطوط کلی شباهت هایی دیده میشود:

یکم - بحران شدید اقتصادی کنونی که در اوایل دهه پنجاه در ایران آزمون هم شروع شد و در سال های ۵۶ و ۵۷ تشدید گردید. بحرانی است امروز بس عمیقتر از آن سال ها، ماهیتا ساختاری که هفتاد در صد مردم را به زیر خط فقر کشانده است

دوم - توده های وسیع مردم از اوضاع ناراضی اند و با اعتصاب و اعتراض و شورش و خیزش گسترده برای نشان دادن نفرت خود از نظام و رهبران آن بارها به میدان آمده اند

سوم - بار دیگر امپریالیسم آمریکا فیلش هوای هندوستان کرده به زعم خود با شدیدترین تحریم ها و سرکار آمدن جو بایدن به ایجاد ائتلاف نوع گوادولپ در پی تغییر رژیم حاکم است.

اما در سه نکته تفاوت هایی هم دیده می شود:

یکم - حاکمیت در دست جناحی است که مثل شاه نه تنها فرماندار سفیر آمریکا نیست بلکه کاملاً ضد آمریکاست و در رقابت با سیاست آمریکا عمل می کند و تضاد اصلی با اصلاح طلبان روی همین موضوع اکنون می چرخد.

دوم - در اوضاع بین المللی تغییرات بزرگی بوقوع پیوسته است که در آن زمان دارو دسته حاکم در شوروی دنباله روی از قدرت های سرمایه داری را پیشه کرده بود ولی امروز حکومت پوتین در تضاد با آنهاست و در سمت رژیم جمهوری اسلامی عمل می کند. چین البته در آزمون با براندازی رژیم شاه و جایگزینی آن با خمینی مخالف بود و امروز هم با دخالت آمریکا و براندازی رژیم حاکم ایران مخالف است اما تفاوت اساسی در تغییرات عظیمی است که در تناسب قدرت و نقش چین در جهان رخ داده است.

سوم - تفاوت اساسی در صف آرای نیروهای طبقاتی بویژه طبقه کارگر و نیروهای سیاسی آزادی خواه و چپ و کمونیست می باشد.

نظریه پردازان و کارشناسان اقتصادی دولت و بخش خصوصی اعلام می کنند که: «افزایش مزد باعث تورم می شود». واقعیت این است که تورم حاکم در ایران دلایل ویژه اقتصادی و سیاسی خود را دارد و افزایش مزد نقشی در افزایش تورم ندارد. بر اساس یک برآورد علمی اقتصادی، «افزایش مزدها بر مجموع قیمت های تولید و از این رو بر مجموع قیمت ها و بنا بر این بر تورم تأثیری نمی گذارند».

در طول چهل و دو سال گذشته مزدهای حقیقی کارگران، یعنی قدرت خرید طبقه کارگر پیوسته کاهش یافته است، درحالی که همزمان شاهد تورم بسیار بالا و فزاینده ای در جامعه بوده ایم. ما کارگران نباید تنها نظاره گر به تباهی کشانده شدن هستی و بقای خود باشیم. ما باید به شکلی متحد و متشکل و با تلاشی آگاهانه، شجاعانه و مستمر، اعتراض هایمان را به این وضعیت اسفبار، تا رسیدن به خواسته های بر حق خود، از جمله افزایش مزد، متناسب با هزینه متوسط جامعه، ادامه دهیم و آن ها را به سرمنزل مقصود برسانیم. کارگران برای دستیابی به حقوق همه جانبه خود به تشکل مستقل در سرتاسر کشور نیاز دارند. همان گونه که برای زندگی عادی به هوا، آب، خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش، فرهنگ و تفریح نیاز دارند!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران، معلمان و بازنشستگان

۲۶ بهمن ۱۳۹۹

- ۱- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
- ۲- سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه
- ۳- کانون صنفی معلمان اسلامشهر
- ۴- گروه اتحاد بازنشستگان
- ۵- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
- ۶- اتحاد بازنشستگان
- ۷- شورای بازنشستگان ایران
- ۸- اتحاد سراسری بازنشستگان ایران
- ۹- کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران

شاغل در منطقه آزاد تجاری، اقتصادی و ویژه، به خاطر اعمال قانون و مقررات ویژه این مناطق، از هرگونه حقوق قانونی و به تبع آن از نظام مزدی تحت پوشش همین قانون کار نیم بند هم محروم اند. ضمن این که بخش قابل توجهی از کارگران موقت و قراردادی، به دلیل عدم نظارت، همان حداقل مزد را نیز دریافت نمی کنند. به همه ی این ها البته باید محرومیت و بی حقوقی زنان کارگر را نیز افزود. زنان کارگر با اعمال تبعیض های جنسیتی و در عین حال عدم ضمانت های لازم برای برقراری مزد برابر در قبال کار برابر، از دریافت مزدهای برابر با مردان محرومند.

نمونه ی کار در مهد کودک ها برای مربیان و کار در مدارس غیر دولتی برای معلمان زن و همچنین تفاوت آشکار نرخ مزد در کارگاه های کوچک را می توان از نشانه های بارز عدم اجرای درست مزدهای مصوب به شمار آورد. مسلم است که «حداقل مزد» کارگران نباید از هزینه زندگی متوسط یک خانوار شهری کمتر باشد. بر همین اساس، تشکل های مستقل کارگری، «حداقل مزد» کارگران برای سال ۱۳۹۹ را ۱۳ معادل ۹ میلیون تومان در ماه محاسبه و اعلام کردند. این مبلغ معادل هزینه زندگی ماهیانه یک خانوار شهری، با تعداد متوسط اعضای ۳/۳ نفر در سال ۱۳۹۹ در کشور بود. با چنین مبنایی و با توجه به تورم افسار گسیخته و فزاینده ی کنونی و تورم مورد انتظار در سال آتی، حداقل مزد کارگران در سال ۱۴۰۰ نمی تواند کمتر از دوازده میلیون و پانصد هزار تومان در ماه باشد و مبلغی کمتر از این، حقیقتاً زندگی کارگران و خانواده هایشان را دچار کمبودهای جدی خواهد کرد و به سلامت، تغذیه، دارو و درمان، پوشاک، مسکن، رفت و آمد و تأمین نیازهای فرهنگی و در یک کلام، تأمین نیازهای اساسی کارگران و خانواده های آن ها، لطامات سنگین و جبران ناپذیری وارد خواهد نمود. ضمن این که بحران سلامت در شرایط بیماری همه گیر کرونا که حتی طبق آمارهای رسمی به مرگ ده ها هزار و ابتلای صدها هزار تن منجر شده است و هزینه های گزاف ناشی از این بیماری، ضرورت مبارزه برای مزد حداقلی فوق را باز هم برجسته تر می کند. با توجه به تورم فزاینده ی موجود، کارگران آگاه و فعالان کارگری خواستار این هستند که تعیین حداقل مزد سالانه کارگران، لااقل هر شش ماه یک بار انجام شده و با سبد معیشت واقعی خانوارهای کارگری هماهنگ گردد.



تعطیل انجام دو وظیفه دیگر نیست چون این سه وظیفه پیوندی ناگسستنی باهم دارند و بهیچ وجه یکی بدون دیگری قابل رشد و تکامل برای انقلاب کردن نمی باشد.

چرا وظیفه ایجاد حزب متحد، یکی شده و یک پارچه حلقه زنجیریست که چنانچه محکم بدست گرفته شود تغییر اساسی در اوضاع بوجود می آورد؟ اوضاع از یکسو برای ایجاد این وظیفه خوبست و از سوی دیگر بد. وضع خوب را کارگران و جنبش های توده ای بوجود آورده اند و وضع بد را تشکل های چپ و کمونیستی موجود.

در درجه اول وجود مبارزات عظیم توده ای و از میان آنها اعتصابات و تظاهرات کارگری است. تجربه تاریخی نشان میدهد که جنبش های توده ای و کارگری بدون وجود یک حزب سیاسی آوانگارد از کادرهای با درایت و از خود گذشته، مسلح به تئوری و جهانی کمیونیستی هیچگاه قادر به درهم شکستن قدرت عظیم سیاسی و نظامی بورژوازی حاکم را ندارند. خیزش های ۹۶ و ۹۸ این موضوع را یک بار دیگر ثابت کرد. نقد احزاب گذشته کمیونیستی نباید تا نفی کلی پدیده حزب شود. این نقد باید با هدف نوسازی و تکامل نظرات پیشرفته صورت گیرد. در کشوری که حتی کارگران نمی توانند تشکلات حداقلی برای تحقق خواست های حقوق عقب افتاده خود را داشته باشند و نیروهای امنیتی در اکثر موسسات بزرگ کارگری مستقرند، نفی یک تشکیلات منظم کمیونیستی مدبر و مسلح به سبک کار مبارزه با پلیس و ماهر در حل مناسبات بین کار مخفی و علنی در بهترین حالت از کم بها دادن به دشمن طبقاتی و رژیم جنایتکار حاکم است.

در درجه دوم وجود اشکال مختلف انحرافی در میان جنبش کنونی چپ و کمیونیستی است. شاخص زمانی این نکته مهم را به قرار زیر فرموله کرده است " وجود انحرافات عمیق درون جنبش کارگری در اشکال اکونومیستی، فرقه گرایی، سوسیال دموکراتیک، اعتقاد به رشد و اعتلای خود به خودی همه در هیئت مشترک انحلال طلبانه و عاجز از پیوند زنده و مبارزه جویانه با جنبش مبارزاتی کارگران از شکل گیری حزب سیاسی سراسری کارگران بعنوان ستاد فرماندهی جنبش انقلابی در سرنگونی نظم موجود و ایجاد حاکمیت شورایی کارگران جلوگیری می کنند." اینکه جهانی بینی ما براین واقعیت تاریخی صحنه گذارده که توده ها سازندگان تاریخند و طبقه

ما برای وحدت نیروهای چپ و کمیونیست و ایجاد یک حزب واحد کمیونیستی مبارزه می کند، سالهاست حزب ما برای ایجاد تشکلات کارگری، سراسری و توده ای مبارزه می کند و سال هاست با سمت سوی کار توده ای برای ایجاد وسیعترین اتحاد های مردمی در سطح جامعه مدنی بویژه تشکل های دموکراتیک توده ای و هریک طبق خواست های مشخص مستقل خود، همچون دانشجویان و محصلین، زنان، آموزگاران، بازنشستگان، فعالان محیط زیست، جمعیت های ضد اعدام و دیگر تشکل های دموکراتیک مبارزه می کند.

تجربه نشان میدهد هر گاه و هر زمان می توانستیم مناسبات درست میان این سه وظیفه سازماندهی برقرار کنیم و مهمترین اینکه دارای یک مشی عمومی سیاسی درست برای انقلاب کردن داشتیم آنجا و آن زمان پیروزی بدست آوردیم و آنجا و آن زمان که در خط مشی عمومی سیاسی دچار انحراف شدیم و مناسبات میان سه وظیفه را به درستی حل نکردیم و دچار یکجانبه گری شدیم شکست خوردیم و دچار خسارت شدیم. در نتیجه امروز وظیفه داریم به احترام خون رفقای که جان خود را در این سالها برای پیشبرد وظایف محوله فدا کردند با مسئولیت کامل عمل کنیم و با درایت تر در وحله اول خط مشی سیاسی عمومی کنونی جنبش انقلابی ایران را مشخص کنیم و در پرتو آن و وضع مشخص میدانی برنامه سازماندهی سه وظیفه را بعنوان پیشنهاد برای تبادل نظر مطرح سازیم. پس از جنبش های دیماه نود و شش و آبان نود و هشت بطور جدی بین جوانان شرکت کننده مطرح شد چه باید کرد؟ اینهمه مردم در خیابان ها، اینهمه جرأت و از خودگذشتگی چگونه است که حتی نمی توان گامی به جلو برداشت. جواب ما را سال هاست کمیونسم علمی داده است: بدون حزب سیاسی انقلابی پرولتاریایی مسلح به تئوری و دارای پایه در میان جنبش کارگری هیچ خیزش توده ای نمی تواند بر بورژوازی حاکم ایران پیروز شود.

حزب رنجبران ایران با توجه به اوضاع کنونی و دورنمای تکامل اوضاع امروز وظیفه وحدت نیروهای چپ و کمیونیست را بر اساس اصول و برنامه ای که مشترک بدن می رسند آن حلقه زنجیری می داند که چنانچه بدست گرفته شود دو وظیفه دیگر یعنی بسط و گسترش تشکل های کارگری و اتحاد سازمان های وسیع توده ای هم بهتر و همه جانبه تر به سرانجام میرسد. تأکید روی این وظیفه بمعنی

جامعه کنونی ایران در مقایسه با دهه ی پنجاه هم از لحاظ زیر بنائی و هم از لحاظ فرهنگی و روئینایی تغییرات اساسی کرده است. بخصوص نیروهای چپ و کمیونیستی با آگاهی بیشتر عمل می کنند و در خط مشی عمومی انقلاب کنونی تضاد های اساسی دیده نمی شود. در پرتو این شش فاکتور اساسی است که ما در زیر سه وظیفه اساسی طرح شده در انتهای بخش دوم را پی می گیریم. در آنجا سه وظیفه مبرم سازماندهی یعنی حزب کمیونیست، تشکلات کارگری و اتحاد وسیعترین نیروهای ستمدیدگان و استثمار شوندهگان را بعنوان ترکیب اساسی آلتزاتیو سوسیالیستی مطرح کردیم. انجام هر سه وظیفه امریست که باید آگاهانه و طبق نقشه صورت گیرد. امروز ما به یکی از این سه وظیفه می پردازیم یعنی مسئله حزب سازی که در درجه اول مسئولیت آن بعهد تشکل های چپ و کمیونیستی موجود است.

در اینجا باید بار دیگر به بخش های اول و دوم این نوشته که به خصوصیات روند انقلاب ایران برخورد کرده است اشاره ای کنیم بخصوص آن بخش که تأکید دارد روند فرایند انقلاب ایران از مسیر سخت، بغرنج و طولانی می گذرد. بنابر این انجام این سه وظیفه اساسی را باید در پرتو همان خصوصیات در نظر گرفت. درست است که توده ها در این سال ها در میزان میلیونی به خیابان ها ریخته اند ولی هنوز چاره اساسی که تشکیلات است در هر سه زمینه فراهم نشده است. نه کمیونیست و چپ یکی شده اند، نه تشکیلات متحد سراسری در برگیرنده اکثریت کارگران بوجود آمده و نه اتحادی گسترده تر از نود درصدی ها.

مبارزه برای ایجاد حزب کمیونیست یک مبارزه تمام عمری برای حزب ماست، حزب رنجبران ایران که از نه تشکل کمیونیستی با گرایش اندیشه مائوتسه دون در سال ۱۳۵۸ پایه ریزی شد تشکیل دهندگان یک تجربه مبارزاتی بیست ساله ای را هم در هر سه زمینه سازماندهی که در بالا اشاره شد پشت سر داشتند بویژه سازمان انقلابی حزب توده ایران که تشکیل دهندگان خود از اعضای حزب توده ایران بودند و از نقد همه جانبه فرمیسم و رویزیونیسم حزب توده به وظیفه ایجاد یک تشکیلات نوین انقلابی کمیونیستی رسیده بودند. در این روند طولانی سخت و بغرنج و در عمل افتان و خیزان رفتن و هر بار با جمع بندی از کار خود، به مبارزه همچنان ادامه داده است. سالهاست حزب

پیش به سوی ایجاد حزب کمیونیست واحد و سراسری



جنبش کارگری و کمونیستی است و در نتیجه باید با یک کار جمعی احزاب و سازمان های موجود کمونیستی از یکسو و پیشروان جنبش های عملی کارگری توده ای جاری از سوی دیگر بوجود آید.

ما در زیر به پلانفرمی برای چنین وحدتی که در بر گیرنده و اصول و برنامه است اشاره می کنیم

ادامه دارد

محسن رضوانی ۲۶ بهمن ۱۳۹۹

مبارزه برای استقلال و.... بقیه از صفحه آخر

نظام سوسیالیستی قابل تحقق است. چقدر این حقیقت علمی کمونیسم علمی با ارزش است که تأکید دارد میدان امتحان کردن من نه در کتابخانه ها و مجالس بحث و گفتگوست میدان من در تلفیق با شرایط مشخص جامعه است و آنهم طی روندی طولانی از تئوری به عمل و بار دیگر از عمل باجمع بندی از پراتیک، بازگشت به تئوری.

در جهانی که رقابت های امپریالیستی شدت برای غارت منابع کشور ما جریان دارد. در دورانی که نظام های دولت - ملتی در جنگ های طولانی برای یک وجب خاک، توده زحمتکش را به گوشت دم توپ تبدیل می کنند. در منطقه ای چون خاور میانه که هنوز امپریالیستها رویای ویرانی آنرا در سردارند و نقشه بالکانیزه کردن آنرا سالهاست ریخته اند. طبقه کارگر، احزاب سیاسی طرفدار طبقه کارگر و نهادها ی کارگری چگونه باید به این اصل استقلال و عدم وابستگی برخورد کنند؟ چگونه باید از یکسو به اصل حق تعیین سرنوشت تا حد جدا شدن وفادار ماند و از سوی دیگر بدام شونیسم تنگ نظرانه خرده بورژوازی و بورژوازی ملیت های ستم دیده نیفتاد؟

پرولتاریا باید علیه هرگونه سلطه قدرت امپریالیستی در منطقه بایستد و با بورژوازی بومی در حاکمیت که همدست غارتگران جهانی مبارزه کند. یکی از اساسی ترین رهنمود های کمونیستی « کارگران جهان متحد شوید » است. برای پیروزی سوسیالیسم و ایجاد یک سرزمین پهناور پیشرفته ای در

به خارج روانه کرده است. اتاق های فکری بورژوازی جهانی درست جمع بندی کردند که پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه در درجه اول وجود حزب بلشویک و مسلح بودن آن به کمونیسم علمی تا حدی که توانستند اصول آنرا با شرایط مشخص جامعه آنزمان روسیه تلفیق دهند. همینطور است نظر آنها در باره پیروزی انقلاب چین که انقلابیون توانستند هم تجاوز امپریالیسم ژاپن را در هم شکنند و هم ارتش میلیونی مرتجعان و سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا را به تايوان فراری دهند. درست بدین خاطر است که در این صد سال گذشته تمرکز اصلی تبلیغاتی خود را در مبارزه با حزب کمونیست گذاشته اند.

حزب رنجبران ایران با درس گیری از تجارب جنبش کمونیستی جهان و ایران براین نظر است که باید در مبارزه با گروهی گری و انحلال طلبی که هدفی جز جلوگیری از ایجاد تشکیلات پیشقراول پرولتری در دل جنبش کارگری ندارد باید آگاهانه به روی نکات زیر تأکید کند:

۱- حزب کمونیست جزیی از جنبش طبقه کارگر است، تماما و کاملا در خدمت رهایی طبقه کارگر قرار دارد.

۲- حزب کمونیست باید ترکیب اعضای آن عمدتا از کارگران پیشرو باشد که پیوند فشرده با کارگران دارند و این موضوع اگر در گذشته در ایران شرایط برای تحققش نبوده امروز با توجه به وجود جنبش عظیم کارگری از هر لحاظ امکان پذیر است.

۳- حزب کمونیست درست بنا بر ماهیتش نباید و نمی تواند به جای تشکلات کارگری و توده ای عمل کند. اداره تشکلات توده ای به شیوه شورایی و براساس اصل اساسی شکوفایی و خلاقیت اعضای خود باید اداره شوند.

۴- کمونیستها باید نمونه درستکاری، از خود گذشتگی باشند و منافع جمع را بر منافع شخصی ارجح بدانند.

۵- مبارزه درون حزبی باید در محیط گرم سیاسی بدور از هرگونه تهمت های شخصی و دسته بندی های پنهانی صورت گیرد و هدف تصحیح اشتباهات، نوسازی و تحکیم تشکیلات باشد.

با توجه به این نکات حال معلوم می شود که ما برای چگونه حزبی مبارزه می کنیم. در ایران ما در صد سال گذشته انواع مختلف احزاب چپ و کمونیست بوجود آمده و هنوز هم موجودند. بنابراین حزبی که باید ساخته شود بی شک متأثر از پراتیک صد ساله

کارگر بدست خودش است که خود را آزاد می کند به معنی آن نیست که توده ها نباید حزب پیشرو خود را داشته باشند و یا طبق شرایطی نیروی مسلح خود را داشته باشند. بورژوازی تبدیل به یک طبقه جهانی شده است با امکانات بدست آورده اش پر قدرت ترین ارتش ها، سازمان های امنیتی ضد طبقه کارگر و هزار وسایل تبلیغی دیگر بوجود آورده است. دانشگاه ها و مدارس را هدایت می کند و جهان را سرا سر تاریخ دروغین بورژوازی پر کرده است و بیگانگی و بی تفاوتی را می پراکند. امروز در جنبش چپ و کمونیستی ما بخاطر چهل سال پراکندگی و انشعاب پس از انشعاب کار به جایی رسید که کار گروهی هم دارد جایش را کار فردی می گیرد.

تقدیس جنبش خود بخودی در حقیقت نفی اساسی ترین پراتیک طولانی مبارزه طبقاتی است که مارکس و انگلس بنیان گذارش بودند و اولین اقدام اساسی خود را سازماندهی حزب کمونیست قرار دادند. مانیفست حزب کمونیست نام اولین منشور مبارزاتی طبقه کارگر علیه بورژوازی بود. این منشور تاریخی که محتوای اساسی کمونیسم علمی را مشخص بیان می کند دارای نکاتی است که در جنبش های خود بخودی کارگری تراوش نمی کند بلکه برعکس دارای نکاتی است که باید توسط کمونیستها که در شرایط سخت دیکتاتوری همچنان استوار و بی هرس از مرگ و شکنجه مبارزه را ادامه می دهند و همچنان در درون جنبش های خودبخودی فعالیت می کنند به درون این جنبش برند. انحلال طلبان در حقیقت با ستایش از جنبش های خود بخودی نه تنها به نفی نقش تئوری راهنما یعنی کمونیسم علمی می پردازند بلکه از زیر بار وظیفه رفتن به میان توده ها، پیوند با آنها سرباز می زنند. مرا یاد زمانی می اندازد که با رهبری حزب توده ایران در اواخر دهه ی سی و اوایل دهه ی چهل شمسی گفتگو داشتیم. کلیدی ترین مسئله مورد اختلاف بی عملی هیئت اجرایی حزب در برابر کودتای بیست هشت مرداد آمریکایی و سیاست انتقال کل رهبری حزب به خارج و مهمتر اینکه چندین سال پس از آن نداشتن برنامه برای سازماندهی در ایران. همانطور که شاه ایران پس از ایجاد حزب رستاخیز اعلام کرد هر کس مخالف است بیاید پاسپورت بگیرد برود خارج این رژیم هم با فشار دستگاه های امنیتی اش هشت میلیون ایرانی را که پتانسیل مخالفت با حکومت داشتند را



دوره سلطنتی و چه در دوره ولایت فقیه به یکی از بازیگران مهم در سیاست جهانی تبدیل کرده است.

بورژوازی کمپرادور ایران در پرتو در آمد نفت در ایران در دو دهه آخر حکومت شاه چاق و چله شده بود و فیلش هوای هندوستان را داشت و دنبال خصوصی سازی بیشتر و اقتصاد آزاد بود. در نتیجه با گرایش اقتصادی شاه که در پی تقویت بخش دولتی بود در تضاد بود. درست پس از پیروزی خمینی و استقرار حکومت اسلامی در عمل سیاست اقتصادی بورژوازی بازار آزاد را در پیش گرفتند. برای درک این موضوع شاید بهتر باشد به سیاست های پس از جنگ با عراق در زمینه اقتصادی نگاهی بیندازیم. رفسنجانی، خامنه‌ای، احمدی نژاد و روحانی همه رو به آشتی با سرمایه جهانی و پیروی از اقتصاد نئولیبرالیستی داشتند و دارند.

امروز بورژوازی ایران بار دیگر با دو گرایش متضاد در برابر هم قرار دارند. آنقدر شدید است که حاضر به نفی یکدیگرند. برای براندازی یکدیگر شمشیر از غلاف بیرون کشیده اند. بخش بورژوازی بیرون از حاکمیت همچنان امید به قدرت آمریکا و اسرائیل و عربستان بسته است. بورژوازی حاکم به دو دسته مشخص تقسیم شده اند. هردو واقفند که طبقه کارگر ایران در این دو دهه در پیشاپیش مبارزات توده ای در حال ایجاد صفوف گسترده تر سراسری حتی پر قدرت تر از آبانگاه ۹۸ است و هردو میدانند که نیروهای چپ، سوسیالیست و کمونیست در پیوند با این جنبش های توده ای در حال رشد و گسترشند. آنها آگاهند که این جنبش با درایت تر از گذشته عمل می کند، مراکز اندیشه های درست دارد و اینبار یک مشی سیاسی عمومی مستقل طبقاتی را دنبال می کند.

درست یکی از برنده ترین سیاست های آلترناتیو کارگری بر افراشتن پرچم سیاست مستقل پرولتاریایی است که در داخل با علیه خصوصی سازی و نئولیبرالیسم مبارزه کند و در سطح جهانی علیه دخالت گری های امپریالیستی و سلطه جهانی سرمایه بجنگد. چنین سیاستی با پرچم روشن استقلال وعدم وابستگی تنها زمانی تحقق می یابد که کل نظام بورژوازی حاکم سرنگون شود و کارگران وتوده های وسیع مردم ستمدیده و استثمار شده قدرت سیاسی را به کف آورند.

وفا جاسمی

دیگر گرایش سرمایه داری ایران دو خط مشی روشن جریان دارد یکی که راه استقلال و عدم وابستگی را در پیش دارد و بر این باور است که مردم ایران این توانایی را دارند سرنوشت خود را بدست گیرند. باید تأکید کنم که این نظریه پس از پیروزی انقلاب اکتبر و در پرتو آموزش های نینن در پشتیبانی از جنبش های ملی جان گرفت و بخشی از پروگرام انترناسیونال سوم شد. دیگری گرایش وابستگی و خدمت به سرمایه جهانی و امپریالیسم است. که اساساً به توانایی های داخلی کم بهاء داده از جهانی شدن اقتصاد جهانی شیفته پیروی از سیاست اقتصادی نئولیبرالیستی است. درست بخاطر چنین وضعی است که جنبش کارگری و کمونیستی هم در این سالها در مورد پیاده کردن سیاست استقلال و عدم وابستگی دچار راست و چپ زدن بوده و هست. تجربه نشان می دهد دفاع از منافع ملی در دوران تاریخی انقلابات پرولتری و عصر امپریالیسم کمونیستها باید از موضع طبقه کارگر با دید طولانی از سرزمینی که کارگران در آن دنیا آمده اند و خانه شان هست در برابر دشمنان خانه شان و مردمانشان دفاع کنند و بهترین دفاع مبارزه برای کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و متحدان آنست یعنی پیروزی آلترناتیو سوسیالیستی.

برای درک این موضوع اشاره ای به براندازی سلطنت محمد رضا شاه پهلوی بندازیم. شکی نیست که یکی از علل خیزش مردم علیه شاه روش دیکتاتوری او در سرکوب مخالفانش بود اما این تمام قضیه نیست فاکتور بورژوازی و خرده بورژوازی ایران فرومایه ای انگلی هم نقشی بس مهم داشت. امپریالیسم در ایران بذر وابستگی را از دیر باز کاشته بود. از فراماسیون ها بگیرد تا میسون های مسیحیت آمریکایی که هنوز نشانه های آنها موجود است بیمارستان های آمریکایی و الیانس فرانسه ها و گوته ها بازوی دراز فرهنگی آنها، همچنان نقشی مؤثر در گرایشات حاکمان داشت و دارد. در اسناد سفارت آمریکا در تهران معلوم شد چهار هزار از سیاستمداران و فعالان اجتماعی دوران محمد رضا شاه با سفارت رفت و آمد داشتند.

البته فاکتور نفت در آن زمان وکل منابع معدنی و زیر زمینی ایران امروزه و موقعیت ژئوپلیتیک ایران از عوامل مهمی هستند که امروز ایران را در سطح جهانی به یک سوژه جهانی تبدیل کرده است و بورژوازی حاکم ایران را چه در

خدمت اکثریت عظیم استثمار شوندهگان و ستمدیدگان، با توجه به تاریخ گذشته و طولانی مردمان این منطقه که هزاران سال است در کنار هم زندگی کرده اند، با توجه به تغییرات عظیم جهانی و ورشکستگی کامل بورژوازی و ادیان و مذاهب و فرقه ها، باید پرچم آلترناتیو پرولتاریایی یعنی سوسیالیستی را در برابر امپریالیستها، بورژوازی فاسد وغارتگر که همدست امپریالیسم جهانی عمل می کنند برافراشت. باید دفاع از وحدت پرولتاریایی منطقه ومبارزه برای ایجاد اتحاد کنفدراتیو شوروی سوسیالیستی که همه ملل منطقه با حقوق مساوی و بطور داوطلبانه در آن شرکت می کنند تا آخر به پیش برد.

در این زمینه از گذشته و حال در جنبش جهانی کمونیستی و ایران اختلاف نظر بوده و هست. در این چهل سال گذشته نیروهای سیاسی خارج کشور بورژوازی و خرده بورژوازی هم بخاطر جنایت عظیم حاکمیت علیه مردم آشکارا از تز همکاری با نیروهای ارتجاعی منطقه و امپریالیستی دفاع کرده اند. این شیوه تفکر و سبک کار در ایران ما سابقه طولانی دارد. بورژوازی و مرتجعان حاکم ایران ضمن حفظ به اصطلاح استقلال سیاسی در عمل به نیروهای امپریالیستی و بازار جهانی سرمایه خدمت کرده اند. علاوه براین در این چهار دهه نیروهای بورژوازی مخالف رژیم جمهوری اسلامی هم وارد مناسبات نزدیکی با کشورهای امپریالیستی و قدرت های ارتجاعی محلی مخالف حاکمیت کنونی ایران شده اند. درست بدین دلیل آلترناتیو کارگری باید سیاست خود را روشن و شفاف در مقابل بورژوازی به مردم اعلام کند.

چون این روزها هفتادمین سالگرد ملی شدن صنعت نفت در ایران است فرصتی است تا اشاره ای به تاریخ مبارزه سیاسی در این زمینه افکنیم یکی از انحرافات رهبری حزب توده طرح دادن امتیاز چیزی شبیه امتیاز داری به شوروی ها بود. احسان طبری در آن زمان نوشت « ما به همان ترتیب که برای انگلستان در ایران منافعی قایلیم و بر علیه آن سخنی نمی گوئیم باید معتترف باشیم که شوروی در ایران منافع جدی دارد » از « خواب های آشفته نفت » محمدعلی موحد ص ۸۲.

با اوج گیری مبارزه با انگلیس پس از تصویب قانون ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران و خلع ید از شرکت امپراتوری بریتانیا به روشنی معلوم شد که در حاکمیت ایران و یا بعبارت



حمله هوایی امپریالیسم آمریکا به سوریه محکوم است

نیروهای تجاوزگر امپریالیسم آمریکا به دستور مستقیم جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا آنطور که وزیر دفاع جدید آمریکا ژنرال آستین مدعی است در منطقه مرزی سوریه و عراق که نیروهای شیعه سوری طرفدار ایران مستقرند وارد حملاتی شده که با موفقیت توانسته چندین میلشای سوری را به قتل برساند و خسارت زیادی به پایگاه های آنها وارد سازد. این تعرض نظامی را جوابی میدانند به حملات موشکی ده روز پیش به مرکز نظامی آمریکا در عراق. اما آنچه صورت گرفته نشانی است از خدعه گری جو بایدن که در دوره انتخابات از بازگشت به برجام سخن می گفت ولی اکنون که به قدرت رسیده عکس آن عمل می کند. ترامپ هم همین یکسال پیش بود که مستقیماً در خاک عراق دست به عملیات تروریستی زد یعنی بدون اجازه دولت عراق و سوریه رئیس جمهور آمریکا به خودش حق می دهد که مستقیماً مبادرت به عملیات نظامی در خاک کشورهای دیگر کند. سابقه هفتاد ساله ی سیاست آمریکا در خاور میانه و در ایران جز کودتا، جنگ و دخالت مستقیم در پیاده کردن سیاست نتولیبرالیستی نبوده است. این سیاست ها از ماهیت نظام سرمایه داری انحصاری حاکم که برای سلطه کامل به جهان و منطقه تلاش می کند بر می خیزد. آنچه در خاورمیانه این سیاست بار آورده است استقرار حکومت های ارتجاعی ضد کمونیست، گسترش جنگ های نیابتی و فقر و بدبختی در سرزمین هایی است که دارای منابع زیر زمینی و سابقه تمدن و فرهنگ باستانی اند.

طبق اسناد درونی دستگاه های امنیتی آمریکا و انگلیس برای مردم جهان روشن شده است که کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بدست سیا و با دخالت مستقیم امپریالیسم آمریکا برای سرکوب و نابودی جنبش کارگری و دموکراتیک ایران و سلطه بلامنازع آن بوده است. همچنین در سال ۵۷ هنگامی که توده های عظیم مردم بار دیگر علیه رژیم کودتای شاه با شعار مرگ بر آمریکا به میدان آمدند، با توطئه دیگری ضمن جلب نظر و دستیاری مستقیم محمد رضا شاه و فرماندهان عالیرتبه ارتش شاهنشاهی و تربیت شده در آمریکا، نقشه ای را به سرانجام رساندند و خمینی و دارو دسته ی فدائیان اسلام را برای سرکوب مردم و بخصوص نیروهای کارگری و کمونیستی ایران سرکار

آوردند. تفاوت اینبار در این بود که رژیم ولایت فقیه تبدیل به غولی شد که از بطری در آمد و تاکنون آمریکا نتوانسته آنرا به بطری برگرداند. این مسئله در مورد گروه داعش هم صدق می کند. کسی که باد می کارد همیشه توفان درو میکند. جنایات امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه هرگز فراموش نخواهد شد.

حزب رنجبران ایران از اصل عدم دخالت نیروهای خارجی در کشورها دفاع می کند و به تاریخ تجاوزگری امپریالیسم آمریکا به ایران و کشورهای منطقه کاملاً آگاه است و در نتیجه امروز این عملیات تجاوزگرانه آمریکا را محکوم می کند. این سیاست ماجراجویانه دولت جدید آمریکا نه تنها به بازگشت به برجام نخواهد کشید بلکه این خطر را دارد که با توجه به سیاست های تجاوز گرانه نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل دامنه آن گسترش یابد و کل منطقه را به آتش کشد.

نیروهای مترقی و چپ و کمونیست طبقه کارگر و توده های وسیع مردم ایران از جنگ میان مرتجعان محلی و امپریالیستها چیزی جز تبدیل به گوشت دم توپ شدن نصیبی نخواهند برد. تنها راه رهایی مردم منطقه مبارزه مشترک هم علیه حکومت های مرتجع خودی و هم امپریالیسم است. در ایران امروز جنبش های توده ای هر روز در حال گسترش است. بدیل کارگری سوسیالیستی تنها راه نجات مردم ایران و منطقه است که بر مبارزه روی دو پا یعنی هم علیه ارتجاع محلی و هم امپریالیسم پای می فشارد.

دست امپریالیسم آمریکا از منطقه کوتاه سرنگون باد نظام جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران

مدارک جمع شده... بقیه از صفحه آخر

نیروها انتظامی را برای سرکوب در اختیار دارد. در این اوضاع بحرانی عمیق اقتصادی و سیاسی که به مراتب بدتر از بحران سالها ۲۰۰۷-۲۰۰۸ است پاندمیک کووید - ۱۹ هم به آن اضافه شده که نتولیبرالیسم را در آن چنان با تلاقی قرار داده که ورشکستگی این سیستم کهنه را بیشتر نمایان می کند. آلیگارشی های یک درصدی بجای برخورد به معضلات کنونی جامع مثل بیکاری ده ها میلیون نفر، تصاحب مسکن توسط بانکها، بی خانمانی، نبود بهداشت و درمان لازم و بالاخره فقر و گرسنگی، مشغول انباشت هر چه بیشتر جیب های خود می باشند. بطوریکه حدود ده نفر از آنها مبلغی معادل ده تریلیون دلار به ثروت خود در طول این پاندمیک اضافه کردند.

با توجه به رویداد روز چهارشنبه شش ژانویه ۲۰۲۱ در پایتخت ایالات متحده نظرات مخالف های متناقضی از سوی چندین نویسنده انتشار یافته است که باید به آنها برخورد شود.

ما با یک روند سیاسی و بسیار پیچیده روبرو هستیم. ما بر سر دو راهی یک بحران بزرگ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته ایم که آینده ایالات متحده را تحت تأثیر قرار داده است. این بحران باید بجای تقابل روایت های سیاسی مخالف، مورد بحث و تحلیل مشخص و دقیق قرار گیرد.

سمت و سوی ایالات متحده آمریکا به جهنمی با عزم و قصد شیطانی هموار شده است.

فاجعه ۱۱ سپتامبر همه چیز را تغییر داد - سال گذشته با براه انداختن جنگ باز نشانی عظیم علیه بشریت (با حمایت کامل مجمع اقتصاد جهانی) و خشونت را در اولین چهارشنبه ماه ژانویه در پایتخت سازماندهی شد که از نظر اقتصادی به چالش ترامپ به منظور سرقت انتخابات سوم نوامبر ۲۰۲۰ پایان داد.

موارد فوق متضمن تثلیث مقدس (سه گانگی وقف شده) اقدامات آمریکا در مسیر استبداد کامل است.

سال گذشته ممکن است آزمایشی بوده باشد برای اینکه نخبگان جانور در قدرت ایالات متحده تا چه حد خواهند توانست آمریکائی ها را داوطلبانه به سمت قربانی کردن آزادی های اساسی و لازم خود سوق دهند.

یک سال پیش، هیچ کس نمی توانست تصور این را داشته باشد که چه چیزی در شرف وقوع است - براساس دروغ های بزرگ و فریب جمعی.

به سارنما های اینترنتی

حزب رنجبران ایران

مردم جمع کنید

سایت حزب رنجبران

www.ranjbaran.org

سایت آینه روز

www.ayenehrooz.com



است، جهنمی ست که برای توده های کار و زحمت با دقت سازماندهی شده است و نباید یک لحظه هم به این جنایت کاران اجازه ارز اندام کردن داد.

شهروندان آمریکائی باید بدون درنگ در مقابل این نخبگان حاکم مقاومت کنند در غیر این صورت همه چیز را از جمله امید شان را از دست خواهند داد.

فرماندار نیویورک، کومو در تاریخ دهم ژانویه می گوید: « در سراسر ایالت نیویورک، ارائه دهندگان خدمات پزشکی در هفته های اخیر همین روایت را داشتند: آنها به دلیل دشواری در یافتن بیمارانی که دقیقاً با دستورالعمل های دقیق واکسیناسیون ایالت مطابقت نداشتند - و مجازات های سنگینی در صورت ارتکاب به اشتباه برای آنها پیش می آمد مجبور به بیرون ریختن دوز های واکسن با ارزش بودند.»

در این مورد دکتر دیوید مارتین خاطر نشان می سازد که: « بیابید مطمئن شویم که در این مورد واضح و روشن هستیم... این یک واکسن نیست. آنها از واژه "واکسن" استفاده می کنند تا دزدکی تحت محافظت های بهداشت عمومی قرار گیرند. این واکسن نیست. » این بدان معنی ست که همه کسانی که این واکسنی که واکسن نیست را ترویج می کنند. این سمی است تجربی و آزمایش نشده، اکنون آنها در اعمال آن شریک هستند. این اظهاریه دکتر مارتین در این مورد است.

« رهبران ما شهروندان که در این کار خلاف و شرارت شرکت می کنند باید آگاه باشند که دست به کار بسیار خطرناکی میزنند. این نوع مشارکت و خلاف کاری هیچ تفاوتی با آنچه که پزشکان و دانشمندان جنایتکار آلمانی در زمان نازی به آن متهم شدند و برای آن در دادگاه نورم بورگ محاکمه شدند ندارد.

در خاتمه باید خاطر نشان کرد که همانطور که خوانندگان ممکن است مطلع باشند اکنون بیش از ۵۰ درصد شهروندان آمریکائی هیچ اعتمادی به دو حزب حاکم ندارند چه بسا این اکثریت معتقد است که یک جنگ داخلی در راه است. به همین دلیل نخبگان قدرت هم بیکار ننشسته اند و ارتش و نیروهای انتظامی را فعال کرده اند. اینجا و آنجا از طریق رسانه های فرمایشی خود « تروریسم داخلی » را تهدید می کنند.

داخل ساختمان حمله ور شوند. برای آنچه که اتفاق افتاده است ترامپ مورد سرزنش قرار گرفت، وی وادار شد تا در ۲۰ ژانویه انتقال آرام را به بایدن/هریس را متعهد شود - و امید خود را برای بار دوم از دست داد.

در واقع این امر هم چنین اکثر جمهوری خواهان را مرعوب کرد تا با آنچه که با دقت نظامی توسط یک نیروی برتر در مقابل یک نیروی ضعیف به راحتی تحت فشار قرار گرفت و مجبور به همراه شدن شد.

در داخل کپیتول هیل نگهبانان معترضین خصمانه ترامپ را به محل های تعیین شده هدایت کردند.

بجای جلوگیری از خشونت، انتظامات کپیتول هیل آنچه را که به نظر می رسید نقطه اوج یک انقلاب رنگین در وطن بود، تسهیل کرد تا با سرکوب خشونت آمیز، به چالش انتخاباتی ترامپ پایان دهد.

طبق طرح و برنامه ریزی انجام شده، وقتی کنگره بحث در مورد چالش تقلب در انتخابات جی او پی (۱) را آغاز کرد، آن را با خشونت به پایان رساند.

جنگی در ایالات متحده در جریان است که به نظر می رسد هدف آن تغییر و تحول در حاکمیت جامعه است که در صورت تحقق غیر قابل دفاع و پیشگیری خواهد بود. این همان چیزی است که باز نشانی عظیم شیطانی برای ما در نظر دارد.

در این لحظه ما دو انتخاب داریم، می توانیم با جریان آب شناور شویم و تمام حقوق و دستاوردهای خود را از دست بدهیم یا برای حفظ حقوق خود مبارزه سخت و بی امانی را علیه این جنایت کاران به پیش ببریم.

حفظ این حاکمیت مانند گذشته در خطری ست واضح و روشن، غده ایست چرکین و باید با آنچه که غیر قابل تحمل است با مبارزه ای سرسختانه و پذیرفتنی عموم جایگزین گردد.

سالمندان در ایالات متحده براساس جبر تاریخ از صحنه عبور خواهند کرد و آینده آنها عمدتاً در گذشته است، اما جوانان امروز در آینده نزدیک بیشترین صدمه را خواهند خورد و همه آزادیهای شان از دست خواهند داد، سرزمینی که گذشته ها میتوانستی نفسی بکشی، اما دیگر با شرایطی که در حال وقوع می باشد امکان پذیر نخواهد بود.

ملتی که در گذشته با حد اقل آزادی ها زندگی می کرد دیگر آن آزادی حد اقل هم وجود نخواهد داشت. طرحی که توسط نیروهای جانور و شیطانی در حال پیاده شدن

چه کسی فکر می کرد که ما از حق و حقوق اساسی خود در حرکت آزادانه اجتماعی، حق کار بدون مانع، سفر، لذت بردن از غذا خوردن در بیرون یا در رستوران، حضور در مسابقات ورزشی، تأثیر، سالن های سینما و مشارکت در فعالیتهای عمومی خود را فدا کنیم؟

تصور کنید که ممکن است در سال جدید اوضاع چقدر بدتر شود.

آیا اوج این پذیرش داوطلبانه استبداد تمام عیار خواهد بود- نخبگان قدرت با قیافه ظاهر بخود دادن به عنوان محافظت و حفظ سلامت، رفاه و ایمنی، اگر به اهداف خود برسند، همه دستاوردها از بین می رود.

به عناوین مختلف این جنایت کاران به ما دروغ گفته اند، به گزارش هفت ژانویه توجه کنید: « ایالات متحده رکورد تقریباً ۴۰۰۰ مورد مرگ توسط کووید - ۱۹ در یک روز را بخود دید هم چنانکه این ویروس به ویرانی به بار آورده خود ادامه می دهد.»

این مرگ ها اگر از نظر تعداد دقیق باشند ناشی از فلو/آنفلونزای فصلی، ممکن است ذات الریه و یا بیماریهای مربوط به آن باشد - نه کووید.

افرادی که از پای در می آیند عمدتاً افراد مسن، ضعیف، احتمالاً با سایر مشکلات بهداشتی و ضعف سیستم ایمنی هستند.

عناوینی مانند این گزارشات جعلی بخشی از یک کارزار وحشتناک و شیطانی است که دولت تابع این نخبگان حمایت می کند.

آنها همه در مورد این هستند که ما بخواهیم آزادی های حیاتی خود را داوطلبانه فدای یک قدرت بالاتر کنیم - که هم زمان خصمانه بر علیه سلامتی و رفاه حال ما عمل می کند.

چهارشنبه شب، ششم ژانویه خشونت های پایتخت (کپیتول هیل) به احتمال زیاد برای بالا بردن بایدن/هریس به قدرت با پایان دادن به چالش جی او پی (حزب قدیمی بزرگ، لقب حزب جمهوریخواه مدرن) به رهبری ترامپ هم آهنگ و موزون شده بود.

این نشان هویتی از یک پرچم دروغین برنامه ریزی شده توسط نخبگان جانور در قدرت ایالات متحده آمریکا بود.

به نظر می رسد که عناصر خشونت طلب و ضد ترامپ عمدتاً در میان معترضان غیر خشونت طلب ترامپ رخنه و نفوذ کرده باشند.

معترضین درست بعد از آنکه پلیس و مجریان قانون فدرال موانع اطراف محل ورود را باز کردند، به کپیتول هیل دسترسی یافتند و به آنها اجازه داده شد تا برای انجام خشونت به

روند فرایند انقلاب

شعار های ماجراجویانه خمینی برای گسترش اسلام، تضاد های حاکمیت جدید میان جناح بندی های خود هرج ومرجی را پدید آورده بود که صدام حسین را با تشویق آمریکا بر آن داشت که آرزوی تسخیر ایران را در سر پروراند و جنگی را شروع کرد که هشت سال طول کشید و نیروی انسانی و اقتصادی هر دو کشور را بلعید. سرکوب خونین مخالفان را از جناح های خودی و اسلامی چون بنی صدر و قطب زاده و رجوی گرفته تا چپ و کمونیستها در پیش گرفتند و از اینطریق توانستند جناح

دستاوردهایش را غصب کند و دموکراسی و آزادی بدست آمده را از مردم بگیرد. احزاب و سازمان ها در طیف وسیعی آزادانه دست به سازماندهی علنی زدند و در سراسر ایران دفتر زدند و گردهمایی های علنی برای جلب نیرو بر گزار کردند. اما از همان ورود خمینی به تهران تضاد میان دارو دسته ای که دور او جمع شده بودند برای بدست آوردن قدرت شروع شد. خلجالی نماینده ی خمینی، انتقام جو و آدم کش آغازگر روندی شد که تا به امروز به شیوه اصلی حکومت داری تبدیل شد.

از انقلابی که نظام شاهنشاهی را برانداخت و نظام ولایت فقیه را جایگزین کرد چه درس هایی که به درد امروزمان بخورد، می توان گرفت؟ در کشور ما هیچگاه به آن عظمت، توده های وسیع مردم برای براندازی یک نظام ستمگر حاکم پا به میدان مبارزه نگذاشته بودند. حتی بعضی ها بر این عقیده اند از لحاظ شرکت توده ها نمونه ایست نادر در تاریخ انقلابات جهان. این امر آنقدر گسترده و پر قدرت بود که توهمی آفرید که هیچ دجالی به این زودی ها نخواهد توانست

مبارزه برای استقلال و عدم وابستگی کاری

سر کشند و یا عقب نشینی قهرمانانه کنند. در هر صورت چه در شعار ضد آمریکایی شان و چه در عملکرد شان خابین به ملک وملت اند و دودش بویژه به چشم اکثریت عظیم مردم ایران می رود از این زاویه است که ما در اینجا مسئله اصل استقلال وعدم وابستگی را از موضع طبقه کارگر مورد بررسی قرار میدهم. و توضیح خواهیم داد که چنین سیاستی نقش تعیین کننده ای با آزادی و مهمتر با مسئله معیشتی زحمتکشانش دارد. شعار استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی یک مجموعه ی بهم بافته ایست که در عصر کنونی تنها با برقراری یک

ضد آمریکایی و در عمل اقتصادی خدمت گزار بانک جهانی. در عرض این چهار دهه در آمد نفت بالاترین رقم ها را نسبت به گذشته داشته است اما اقتصاد ایران امروزه یکی از ورشکسته ترین اقتصاد های جهانی است طبعاً کشوری که بنیاد های اقتصادی و اجتماعی اش فرو ریخته باشد نمی تواند دارای یک سیاست خارجی استوار مستقل باشد و از سیاست اتکا به نیروی خود پیروی کند. ایران امروز بسی محتاج تر و وابسته تر به اقتصاد جهانی است و درست بدین دلیل حاکمانش مجبورند برای ادامه قدرت خود یا جام زهر

طبقه کارگر ایران و سیاست پرولتاریایی احزاب، سازمانها و نهادهایی که در پی تحقق برنامه و سوسیالیستی و برای ایرانی سوسیالیستی مبارزه می کنند باید در کلیه زمینه ها از سبک کارها و سیاست های پیروی کنند که به رسیدن به این هدف خدمت می کند. یکی از این زمینه ها مسئله سیاست خارجی است که در اینجا مختصراً بدان می پردازیم. چهار دهه پیاده کردن اقتصاد نئولیبرالیستی آمریکایی توسط رژیم جمهوری اسلامی جز فقر و بدبختی برای کارگران و توده های وسیع مردم به بار نیاورده است. در حرف

مدارک جمع شده در مورد واکسن کرونا

دفاعی نبوده. اکنون اعتبار ایالات متحده به عنوان بزرگترین تهدید برای صلح در جهان می باشد. در مورد سیاست داخلی نئولیبرالیسم هم شباهت به برنامه های تعدیل ساختاری اعمال شده توسط صندوق بین المللی پول بوده است، با افزایش تمرکز و انتقال ثروت از پائین به بالا، مشتی آلیگارشوی وحشی ببار آورده است، به طوریکه اکنون تمام رسانه های اصلی به علاوه کلیه سازمانهای امنیتی، ارتش و

بم بست رسیده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاد شدن تضادهای درون حاکمیت این سرمایه داری گندیده است. در مورد سیاست خارجی اقداماتی مانند تسطیح کره شمالی، ویرانی که به ویتنام، لائوس و کامبوج وارد شده، تجاوزات کثیف آمریکائی ها در آمریکای مرکزی، تخریب و ویرانی عراق، تخریب لیبی و جنگ های نیابتی جنایتکارانه در سوریه و یمن برای همگان قابل درک است. هیچ یک این جنگها

مدارک جمع شده در مورد یک پرچم دروغین در پایتخت ایالات متحده آمریکا (کپیتول هیل) مقاله ای که مورد توجه خوانندگان نشریه رنجبر قرار می گیرد در مورد انتخابات ایالات متحده در روز سوم نوامبر ۲۰۲۱ و متعاقب آن که به یک فاجعه ای تبدیل شد که نتیجه ورشکستگی پنج دهه حاکمیت سرمایه داری نئولیبرالیسم را به نمایش گذارد. علت اساسی این وضعیت به

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس عرّفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org